



امام رضا سلام الله و صلواته عليه:

ان بسم الله الرحمن الرحيم اقرب الى اسم الله الاعظم من سواد العين الى بياضها

بسم الله الرحمن الرحيم، به اسم اعظم خداوند

نزدیک‌تر از سیاهی چشم به سفیدی‌اش است. عیون اخبار الرضا ج ۱



تولید مبنای نظری برنامه‌های توسعه اسلامی

ادبیات دینی، ادبیات انقلاب و ادبیات توسعه

نقد و نقض مبنای نظری و مستندات برنامه توسعه چهارم

مندرجات محصول:

۱. تحلیل جامعه آرمانی بر اساس تعاریف دینی
۲. تصویر جامعه آرمانی در قانون اساسی و مراحل رشد
 - ۲/۱. ویژگی جهان امروز
 - ۲/۲. خطوط کلی یا الزام‌های مرحله‌ای رشد کشورهای کم توسعه یافته
 - ۲/۳. نقد و بررسی نگرش‌ها، دیدگاه‌ها و الگوهای حاکم بر فرآیند توسعه
 - ۲/۴. ضرورت مقایسه سند چشم‌انداز پیشنهادی با سند چشم‌انداز ابلاغی
۳. توسعه به مفهوم نوگرایی و مدرن شدن
 - ۳/۱. اقتصادمحوری در ادبیات توسعه
 - ۳/۲. بررسی نظریه‌های حاکم بر فرآیند توسعه

حسینیه اندیشه

محصول چهارم

تاریخ شروع:

۱۳۸۵/

تاریخ پایان:

۱۳۸۵/

مدت پژوهش: روز

محتوا

۴

← ادبیات دینی، ادبیات انقلاب و ادبیات توسعه

سرپرست پژوهش: حجت الاسلام والمسلمین مسعود صدوق
کارشناسان پژوهش: حجج اسلام؛ موسوی موشح، روح الله صدوق، علی رضا انجم شعاع،
احمد زیبایی نژاد و محمدصادق حیدری
انتشارات: معاونت برنامه
نگارش: دوم
تاریخ نشر: ۱۳۸۶/۲/۱

معاونت پژوهش

فهرست

- ادبیات دینی ۵
۱. تحلیل جامعه آرمانی بر اساس تعاریف دینی ۶
- ۱/۱. «خوب بودن قدرت» به معنای تجلیات روحی خدایی در انسان برای آفرینش ۶
- ۱/۲. قدرتمند نمودن انسان در جهت تحقق اراده خود از طریق نهاد ملت- دولت ۶
- ۱/۳. تعریف خلافت اجتماعی به قدرت و بسیج توده های مستضعف و کسب توان لازم جایگزین شدن نهاد دولت به جای نهاد دین ۶
- ۱/۴. آفرینش دولت ها به وسیله «انسان شایسته در قامت ملت» ۶
- ۱/۵. تعریف جناح های قدرتمند و کیفیت به وحدت رسیدن آنها ۶
۲. تحلیل تاریخی از رفتار جناح سستی در مقابل رژیم گذشته ۷
- ۲/۱. انعکاس رفتار شکل گرفته تاریخی جناح سستی در بعد از انقلاب و شکل گیری آسیب های داخلی و تهدیدات خارجی ۷
۳. تحلیل «فلسفی، شناختی، روشی» از کیفیت تحقق دین (فقه) همراه با سیاست ۷
- ۳/۱. ضرورت رسیدن به منزلت مدیریت هژمونیک قدرت منطقه ای ۷
- ادبیات انقلاب ۸
۱. تصویر جامعه آرمانی در قانون اساسی و مراحل رشد ۹
- ۱/۱. جامعه آرمانی حافظ کرامت و آزادی انسان و فراهم کننده شرایط رشد او در حرکت به سوی نظام الهی بر پایه اصول اساسی اسلام ۹
- ۱/۲. اصل وسیله بودن اقتصاد در جامعه آرمانی به معنای رفع نیازهای انسان در جریان رشد و تکامل او در جهت تحکیم بنیادهای اقتصادی ۹
- ۱/۳. خصوصیات اساسی جامعه آرمانی مورد بحث در قانون ۹
- ۱/۳/۱. استقلال سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۹
- ۱/۳/۲. آزادی به منزله عامل تحقق استقلال و استعدادهای ملی ۱۰
- ۱/۳/۳. وجود عدالت اجتماعی و نبودن فقر و محرومیت ۱۰
- ۱/۳/۴. تأمین نیازهای انسانی در جریان رشد و تکامل او ۱۰
- ۱/۳/۵. بالندگی تولید و اشتغال کامل مولد ۱۱
- ۱/۴. مراحل رشد در راستای جامعه آرمانی در افق چشم انداز ۱۲
- ۱/۴/۱. بر اساس دیدگاه تاریخی ۱۲
- ۱/۴/۲. بر اساس تولید غالب جامعه ۱۲
- ۱/۴/۳. بر اساس تلفیق معیارهای تولید و فن آوری ۱۲
- ۱/۵. ویژگی جهان امروز ۱۳
- ۱/۵/۱. انسان به مرزهای بسیار والای علوم و فناوری دست یافته است. ۱۳
- ۱/۵/۲. مبانی علوم و فناوری در انحصار کشورهای خاصی است. ۱۳
- ۱/۶. خطوط کلی یا الزام های مرحله ای رشد کشورهای کم توسعه یافته ۱۳
- ۱/۷. خطوط کلی در بر گیرنده الزام های مرحله ای رشد جامعه ایران در افق چشم انداز ۱۳

- ۱/۸. نقد و بررسی نگرش‌ها، دیدگاه‌ها و الگوهای حاکم بر فرآیند توسعه در ۲۳ سال گذشته و ضرورت انتخاب مفاهیم نظری، پندارها و دیدگاه‌های مثبت در فرآیند توسعه..... ۱۳
- ۱/۸/۱. بیان وضع کنونی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایران ۱۳
- ۱/۸/۱/۱. عدم جریان رشد پیوسته و پایدار در اقتصاد..... ۱۳
- ۱/۸/۱/۲. کاهش درآمد سرانه، رفاه عمومی، تنزل سطح زندگی مردم و پایین آمدن موقعیت منطقه‌ای و بین‌المللی کشور.. ۱۴
- ۱/۸/۱/۳. عدم تحوّل صنعتی و اقتصادی متناسب با سطح شایستگی‌ها و مزیت‌های کلی در مقایسه با کشورهای دیگر در حال توسعه..... ۱۴
- ۱/۸/۲. بیان علل به جای بیان معلول‌ها ۱۴
- ۱/۸/۲/۱. «چالش‌های انقلاب»، «دگرگونی‌های سیاسی - مدیریتی»، «جنگ تحمیلی طولانی»، «نفت به منزله تسلط در اقتصاد»، «تحریم خارجی»، «حصار اقتصادی» به عنوان شرایط بخش اول از علل وقوع بندهای فوق..... ۱۴
- ۱/۸/۲/۲. بخش دوم از علل وقوع بندهای فوق..... ۱۴
- ۱/۸/۲/۳. عامل نگرش‌ها و دیدگاه‌های حاکم بر فرآیند توسعه به عنوان نقش غالب و تعیین‌کننده ۱۵
- ۱/۸/۳. ضرورت انتخاب مفاهیم نظری، پندارها و دیدگاه‌های مثبت در فرآیند توسعه ۱۶
- ۱/۸/۳/۱. علت‌یابی مشکلات و تنگناها ۱۶
- ۱/۸/۳/۲. توجه به تخصص و تجربه..... ۱۶
- ۱/۸/۳/۳. اهمیت و نقش سرمایه‌گذاری ۱۶
- ۱/۸/۴. عدم وجود فرصت برای انتخاب طرح و آزمایش نسبت به مدل‌ها و حاکمیت مدل و قانون‌مندی‌های واحد بر فرآیند توسعه ملی با شرایط جدید جهانی ۱۶
- ۱/۹. ضرورت مقایسه سند چشم‌انداز پیشنهادی با سند چشم‌انداز ابلاغی از طرف مقام معظم رهبری (دام‌ظله)..... ۱۶
- ۱/۹/۱. ویژگی‌های جامعه مطلوب در چشم‌انداز توسعه ایران ۱۶
- ۱/۹/۲. چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی ، ابلاغی مقام معظم رهبری..... ۱۷
- ادبیات توسعه..... ۱۹
۱. توسعه به مفهوم نوگرایی و مدرن شدن ۲۰
- ۱/۱. دسترسی به توسعه..... ۲۱
- توسعه ۲۱
- توسعه ۲۱
- ۱/۲. دگرگونی مفهوم توسعه ۲۲
- ۱/۳. اقتصادمحوری در ادبیات توسعه..... ۲۳
- ۱/۳/۱. ضرورت نظام‌مند کردن تعریف توسعه اقتصادی..... ۲۴
- ۱/۳/۲. ساختار عناوین جامعه‌شناختی مادی ۲۵
- ۱/۴. بررسی نظریه‌های حاکم بر فرآیند توسعه..... ۲۷
- ۱/۴/۱. درون‌گرا ۲۷
- ۱/۴/۱/۱. الگوی خطی مراحل رشد ۲۷
- ۱/۴/۱/۲. نظریه‌ها و الگوهای تغییرات ساختاری ۲۷
- ۱/۴/۲. برون‌گرا..... ۲۸
- ۱/۴/۲/۱. الگوی نئوکلاسیکی بازار آزاد ۲۸
- ۱/۴/۲/۲. نظریه رشد درون‌زا ۲۹
- ۱/۴/۲/۳. شرایط فرآیند توسعه اقتصادی..... ۲۹
- ۱/۴/۳. رویکرد حزبی به توسعه اقتصادی ۳۰

ادبیات دینی

۱. تحلیل جامعه آرمانی بر اساس تعاریف دینی

۱/۱. «خوب بودن قدرت» به معنای تجلیات روحی خدایی در انسان برای آفرینش

این چشم‌انداز بر چند فرضیه اساسی استوار است. اولین مفروضه این است که قدرت خوب است و یکی از تجلیات روحی خدایی در انسان برای آفرینش است.

۱/۲. قدرتمند نمودن انسان در جهت تحقق اراده خود از طریق نهاد ملت - دولت

دومین فرضیه این چشم‌انداز، مربوط به نهاد ویژه ملت - دولت است. ملت - دولت نهادی است برای قدرتمند نمودن انسان در جهت تحقق اراده او.

۱/۳. تعریف خلافت اجتماعی به قدرت و بسیج توده‌های مستضعف و کسب توان لازم جایگزین شدن نهاد دولت به جای نهاد دین

به این معنا، انسان تنها موجودی است که از طرف ذات اقدس، به خلافت خویش برگزیده شده است. تحقق خلافت خدا، بدون قدرت و با بسیج توده‌های مستضعف، یا نیروهای صرفاً فضیلت‌خواه و نابهنگام سستی، و بدون کسب توان لازم، ممکن نیست. مفهوم ملت - دولت معرف نهادی است که به وسیله ملت تأسیس می‌شود، تا از منظر محافظه‌کاران امنیت او را تأمین کند، و از دید اصلاح‌طلبان به او قدرت بخشند. کارگزاران این نهاد، افراد قدرت‌ساز هستند. داروینسیم با تک‌بعدی در جریان تحولات، به «شایسته سالاری» در دولت رای می‌انجامد، و در نتیجه، هم دولت را جایگزین نهاد دین می‌کند، و هم در عمل به حذف نیروهای نابهنگام سستی و ناتوان مستضعف دست می‌زند.

۱/۴. آفرینش دولت‌ها به وسیله «انسان شایسته در قامت ملت»

در حالی که از منظر یک مسلمان و یا هر انسان آزاده و عدالت‌خواه، شایسته‌گرایی معیار قرار می‌گیرد نه شایسته سالاری. در نتیجه گرچه ملت، معرف جمعیت با قدرت است (بر خلاف میهن که بعد فرهنگی دارد و یا وطن که بعد جغرافیایی دارد)، اما این انسان شایسته که در قامت ملت، دولت را آفریده، قدرت را با فضایل و معنویت دینی می‌آمیزد، و از آن رو احکامش داوطلبانه با احکام فضیلتی و معنوی دین در تعارض نیست.

۱/۵. تعریف جناح‌های قدرتمند و کیفیت به وحدت رسیدن آن‌ها

همچنین نیروی سستی را به محافظه‌کار و نومحافظه‌کار تبدیل می‌کند. محافظه‌کار به امنیت، و نومحافظه‌کار به سستهای معنابخش ملی توجه دارد:

یکی وجود فیزیکی - بیولوژیکی او را، و دیگری وجود فرهنگی او را حفظ می‌کند. به علاوه، دولت را به عنوان ابزاری درمی‌آورد که مستضعفین را ابتدا به درجه امانت تخصصی در رشته‌ای خاص برساند، و سپس امام آن رشته تخصصی قرار دهد. در صورتی که اگر قدرت، تمهیداتی در اختیار بخش سستی قرار دهد، آنان با به‌کارگیری نابه‌جای قدرت، آن را در خدمت ارزشها و منافع نابهنگام خود به کار می‌گیرند. با سلطه گروه‌های سستی، فاشیسم ایجاد می‌گردد. فاشیسم پدیده‌ای نابهنگام است و از این لحاظ، قدرت را ضایع می‌کند. همچنین اگر قدرت در اختیار اعمال ارزشها و منافع بخش ناتوان و مستضعف قرار گیرد، زمینه‌ساز بروز توتالیتاریسم چپ، جهت تأمین

تن آسودگی قشرهای ناتوان، و نابودی افراد قدرت ساز می شود. در صورتی که نهاد دولت به درستی مورد استفاده قرار گیرد، همه بخشهای جامعه به ملت تبدیل می شوند، و دولت به درستی در خدمت تحقق اراده ملت - و به کنترل ملت - درمی آید:

سستی، به طریقی قدرت می گیرد و تبدیل به ملت می شود و مستضعف، به طریقی دیگر و عرصه دولت عرصه بازی قدرتمندان به نفع جمع ملت می شود. دو مفهوم دموکراسی و ناسیونالیسم عرصه بازی ملی - یعنی نهاد قدرت. در حالی که امت پایگاه رفیع تحقق حاکمیت خدایی است، از دید مسلمان، دولت پایگاه رفیع تحقق حاکمیت و اراده انسانی، البته به مشیت الهی است. بنابر این، بدون آن که به اصول اعتقادات متدین لطمه ای وارد شود، قدرت انسان اعمال می شود.

۲. تحلیل تاریخی از رفتار جناح سستی در مقابل رژیم گذشته

سومین مفروضه این پژوهش، تاریخی است. متأسفانه، به لحاظ بی توجهی رژیم گذشته، شایسته سالاری فنی - بوروکراتیک - اقتصادی، موجب عکس العملی معکوس در جمهوری اسلامی ایران شد. البته جو ایدئولوژیک چپ و سیاسی جنگ سرد هم به آن دامن زد.

۲/۱. انعکاس رفتار شکل گرفته تاریخی جناح سستی در بعد از انقلاب و شکل گیری آسیب های داخلی و تهدیدات خارجی

به این لحاظ، جمهوری اسلامی ایران، عرصه بازی قدرت طبقات قدرت سستیز سستی و مستضعف شد و در منزلت قدرتی کوچک درآمد و به طور فزاینده ای دچار آسیب پذیری داخلی و تهدیدات خارجی شد.

۳. تحلیل «فلسفی، شناختی، روشی» از کیفیت تحقق دین (فقه) همراه با سیاست

چهارمین مفروضه این پژوهش، فلسفی - شناختی - روشی است. این مفروضه منادی این ذهنیت فلسفی است که بین «مطلوبیت آرمانی» با «واقعیت ممکن» نوعی سازگاری تلفیقی لازم است. از لحاظ شناختی، دید توحیدی «لزوم اجتماع نقیضین» با دید منطقی کوانتائی، زمینه ساز این تلفیق می شود. در نتیجه «ممکن پذیر آرمانی» همراه با «آرمانهای امکان پذیر» شده و رهنمای دو نگرش عرفی و دینی جامعه می شود. در مسائل دینی، بنا به توان انسان، ارزشهای اخلاقی و دینی اعمال می شود، و در مسائل عرفی، باید «واقعیت ممکن» داوطلبانه، همسو با ارزشهای آرمانی باشد. در نتیجه، گرچه سیاست، اصالتاً معطوف به قدرت و در جهت تأمین نیاز عرفی جامعه است، اما با ارزشهای اخلاقی می آمیزد. بنابر این، ارزش مطلوب در دولت، «ممکن آرمانی است»، اما به آرمانهای ممکن نیز عنایت می شود.

۳/۱. ضرورت رسیدن به منزلت مدیریت هژمونیک قدرت منطقه ای

چهارمین مفروضه این پژوهش، هشدار دهنده - و نه نا امید کننده - است. چنان که سیر تحولات تک بعدی گذشته ادامه یابد و به نام ارزش، واقعیت، و یا به نام واقعیت، ارزشها لطمه دار شوند، ایران آینده یا از لحاظ اخلاقی به انحطاط کشیده می شود، یا برای همیشه به حاشیه تاریخ رانده می شود. متأسفانه، ایران امروز فرصت قدرت بزرگ شدن را برای حداقل قرن ۲۱ از دست داده است. اما می توان با تلاش و ممارست آگاهانه و پی گیر، امید داشت که ایران بتواند در بیست سال آینده به منزلت مدیریت هژمونیک قدرت منطقه ای درآید.

ادبيات انقلاب

۱. تصویر جامعه آرمانی در قانون اساسی و مراحل رشد^۱

۱/۱. جامعه آرمانی حافظ کرامت و آزادگی انسان و فراهم‌کننده شرایط رشد او در حرکت به سوی نظام الهی بر پایه اصول اساسی اسلام

جامعه آرمانی مورد نظر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جامعه‌ای است که در آن بر پایه اصول اساسی اسلام، کرامت و آزادگی انسان حفظ و شرایط رشد او در حرکت به سوی نظام الهی فراهم آمده است.

۱/۲. اصل وسیله بودن اقتصاد در جامعه آرمانی به معنای رفع نیازهای انسان در جریان رشد و تکامل او در جهت تحکیم بنیادهای اقتصادی

در چنین جامعه‌ای، اقتصاد، وسیله است و رفع نیازهای انسان در جریان رشد و تکامل او، در جهت تحکیم بنیادهای اقتصادی، اصل مورد توجه می‌باشد.

۱/۳. خصوصیات اساسی جامعه آرمانی مورد بحث در قانون

۱/۳/۱. استقلال سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

الزامات استقلال سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی عبارتند از:

۱/۳/۱/۱. ثبات سیاسی و نظم حقوقی و نهادی معطوف به توسعه اقتصادی رقابتی، آزاد و متکی به مشارکت عامه

۱/۳/۱/۲. توان داخلی برای گسترش مناسب ظرفیتهای تولیدی، با توجه به ملاحظات اقتصادی

۱/۳/۱/۳. توان سازماندهی اقتصادی مؤثر، به ویژه در روابط بین‌المللی برای تأمین بهتر منافع ملی^۲

۱/۳/۱/۴. توان توسعه علوم، فناوری و استفاده مؤثر از فناوری **ICT** و سایر فناوری‌های آینده‌دار

۱/۳/۱/۵. توان تأمین و نگاه‌داشت سرمایه انسانی

۱/۳/۱/۶. تأمین مطمئن و اقتصادی کالاها و خدمات مورد نیاز جامعه رو به رشد ایران، از طریق پیوستگی معقول با دنیای خارج

۱. صفحات: ۳۲ تا ۳۶

۲. منافع ملی جمهوری اسلامی ایران را در جهان متحول کنونی، به گونه‌های مختلفی می‌توان تعریف کرد:

(۱) تمامیت ارضی و تأمین امنیت، (۲) رفاه و رونق و توسعه اقتصادی، (۳) پایداری و پویایی ارزشهای ملی، (۴) نظم منطقه‌ای و جهانی مورد نظر

۱/۳/۱/۷. برخورداری از توان دفاعی برای حفظ استقلال سیاسی و تمامیت ارضی

۱/۳/۲. آزادی به منزله عامل تحقق استقلال و استعدادهای ملی

۱/۳/۲/۱. تأمین آزادیهای سیاسی و اجتماعی، در حدود قانون

۱/۳/۲/۲. مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش

۱/۳/۲/۳. ممنوعیت تفتیش عقاید و عدم مؤاخذة و تعرض به افراد، به صرف عقیده‌ای خاص

۱/۳/۲/۴. تأمین آزادی احزاب، جمعیتها، انجمنهای سیاسی، صنفی و انجمنهای اسلامی یا اقلیتهای دینی شناخته شده، در چارچوب اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و قانون اساسی جمهوری اسلامی

۱/۳/۲/۵. رعایت آزادی انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری

۱/۳/۳. وجود عدالت اجتماعی و نبودن فقر و محرومیت

ویژگی‌های عدالت اجتماعی و رفع فقر و محرومیت، عبارتند از:

۱/۳/۳/۱. برابری فرصتها و امکانات در دستیابی به آموزش، اشتغال، سرمایه و ابزار کار برای همه

۱/۳/۳/۲. تأمین حداقل قابل قبول نیازهای اساسی مردم

۱/۳/۳/۳. کاهش تفاوت‌های بین درآمد و ثروت به حداقل ممکن، و متناسب با توسعه سالم اقتصادی - اجتماعی

۱/۳/۳/۴. تعادل نسبی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بین مناطق و استانهای کشور

۱/۳/۴. تأمین نیازهای انسانی در جریان رشد و تکامل او

نیازهای انسان در جریان رشد و تکامل، آنچنان که در قانون اساسی آمده است، مشتمل بر دو گروه نیازهای فردی و نیازهای اجتماعی است.

۱/۳/۴/۱. نیازهای فردی شامل:

۱. خوراک

۲. پوشاک

۳. مسکن

۴. بهداشت و درمان

۵. آموزش و پرورش

۶. تشکیل خانواده

۷. شغل

۸. مالیکت مشروع

۹. حق دادخواهی قانونی

۱۰. فرصت برای خودسازی معنوی، سیاسی، اجتماعی

۱۱. شرکت فعال در رهبری کشور

۱۲. افزایش مهارت و ابتکار

۱/۳/۴/۲. نیازهای اجتماعی شامل:

۱. فرهنگ متعالی

۲. تأمین اجتماعی

۳. امنیت قضایی

۴. توان دفاعی

۵. فناوری پیشرفته

۶. محیط زیست سالم

۱/۳/۵. بالندگی تولید و اشتغال کامل مولد

رشد مستمر تولید در تمامی شرایط، از ضروریات توسعه است. چنین رشدی باید دارای ویژگی‌های ذیل باشد:

۱/۳/۵/۱. اقتصادی مولد، بر اساس دانش پایه و رقابتی

۱/۳/۵/۲. استفاده از سیاستهای مناسب و فناوری اطلاعاتی **IT** و مشارکت فعال نیروی کار جامعه در ایجاد رشد

۱/۳/۵/۳. فراهم کردن موجبات ارتقای سرمایه اجتماعی و انسانی کشور، در جریان رشد و بهبود توان توسعه فناوری

۱/۳/۵/۴. توسعه و ساماندهی نهادهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، به منظور تحقق رشد مستمر، با توجه به تحولات جهانی

۱/۳/۵/۵. استفاده حداکثر از امکانات بین‌المللی و سازمانهای مربوطه و بازارهای جهانی در مسیر رشد اقتصادی

۱/۴. مراحل رشد در راستای جامعه آرمانی در افق چشم‌انداز

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در اصل چهل و سوم، به «رعایت ضرورت‌های حاکم بر برنامه‌ریزی عمومی اقتصاد کشور، در هر یک از مراحل رشد» اشاره نموده است.

۱/۴/۱. بر اساس دیدگاه تاریخی

مراحل رشد را می‌توان از دیدگاه تاریخی، مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. در این دیدگاه، دوره‌های طولانی تاریخی، هر یک دارای خصایصی معین هستند و مثلاً با استفاده از معیار فناوری در دسترس جامعه، می‌توان مراحل مختلف رشد را معین نمود:

۱/۴/۱/۱. دوران قبل از ماشین بخار

۱/۴/۱/۲. دوران انقلاب صنعتی اول (ماشین بخار تا استفاده از انرژی اتمی)

۱/۴/۱/۳. دوران اتم

۱/۴/۱/۴. دوران میکروپروسورها

۱/۴/۲. بر اساس تولید غالب جامعه

۱/۴/۲/۱. دوران تاریخی کشاورزی (موج اول)

۱/۴/۲/۲. دوران تاریخی صنعت (موج دوم)

۱/۴/۲/۳. دوران تاریخی انفورماتیک (موج سوم)

۱/۴/۳. بر اساس تلفیق معیارهای تولید و فن‌آوری

۱/۴/۳/۱. دوران پیش از خیز

۱/۴/۳/۲. دوران خیز اقتصادی

۱/۴/۳/۳. دوران حرکت به سوی بلوغ

۱/۴/۳/۴. عصر مصرف انبوه

این دیدگاهها فقط تا آنجا مفید فایده است که دوران تاریخ فعلی جامعه بشری و در درون آن، وضعیت هر یک از جوامع را روشن سازد، هر چند در این زمینه، حصول اتفاق نظر مشکل است، ولی به هر حال، هیچ جامعه‌ای به طور منفرد و جدای از تحول کلی جامعه بشری قابل بررسی نیست.

۱/۵/۱. انسان به مرزهای بسیار بالای علوم و فناوری دست یافته است.

۱/۵/۲. مبانی علوم و فناوری در انحصار کشورهای خاصی است.

۱/۶. خطوط کلی یا الزام‌های مرحله‌ای رشد کشورهای کم‌توسعه یافته

۱/۶/۱. کشورهای کم‌تر توسعه یافته امروز، می‌توانند با اتخاذ استراتژیها و برنامه‌ریزی‌های مناسب و صحیح، متکی بر استفاده از امکانات خویش و دست‌اوردهای انسانی عصر حاضر، فقر و محرومیت را از جوامع خود، ریشه‌کن سازند، بدون آن‌که استقلال خود را فدا نمایند.

۱/۶/۲. وابستگی‌های جهانی نه تنها اجتناب‌ناپذیر است، بلکه برای رشد و تعالی اقتصادی، یک اصل است.

۱/۶/۳. بدون دسترسی مستمر به علوم و فناوری پیشرفته، امکان سازندگی با دوام و شکوفایی اقتصادی و اجتماعی، بعید به نظر می‌رسد.

۱/۷. خطوط کلی در برگیرنده الزام‌های مرحله‌ای رشد جامعه ایران در افق چشم‌انداز

۱/۷/۱. گسترش و تعمیق فرایند و فرهنگ توسعه صنعتی کشور، خدمات مولد ارزش افزوده بالا، جایگیری در حوزه‌های مناسب و برتر در تقسیم کار جهانی، در راستای ارتقای موقعیت و منزلت منطقه‌ای و بین‌المللی ایران

۱/۷/۲. ظرفیت‌سازی و توانمندسازی جامعه، با تکیه بر علوم و فناوری‌های نوین

۱/۷/۳. وجود دولتی توانمند، کارآمد، خردمند و معطوف به رشد و توسعه، در فضای جدید جامعه جهانی

۱/۷/۴. احترام به حقوق خصوصی و ایجاد ساختارهای انگیزشی مناسب فردی و اجتماعی، برای شکل‌گیری رشد پایدار و تحقق امنیت انسانی

۱/۸. نقد و بررسی نگرش‌ها، دیدگاه‌ها و الگوهای حاکم بر فرآیند توسعه در ۲۳ سال گذشته و ضرورت انتخاب مفاهیم نظری، پندارها و دیدگاه‌های مثبت در فرآیند توسعه^۱

۱/۸/۱. بیان وضع کنونی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایران

۱/۸/۱/۱. عدم جریان رشد پیوسته و پایدار در اقتصاد

اقتصاد ایران طی ۲۳ سال گذشته، به رغم افت و خیزها و نوسانات تولید و تجارت، نتوانسته است به یک جریان رشد پیوسته و پایدار دست یابد. در این سالها، در قبال رشد متوسط جمعیت در حد دو و هفت دهم درصد (۲/۷٪) در سال، میانگین رشد تولید ناخالص داخلی برابر تقریباً یک و نیم درصد (۱/۵٪) در سال بوده است.

۱/۸/۱/۲. کاهش درآمد سرانه، رفاه عمومی، تنزل سطح زندگی مردم و پایین آمدن موقعیت منطقه‌ای و

بین‌المللی کشور

نتیجه این فرایند، کاهش درآمد سرانه به میزان یک و دو دهم درصد (۱/۲٪) در سال، و طبعاً کاهش رفاه عمومی، و تنزل سطح زندگی مردم و از همه مهم‌تر، پایین آمدن موقعیت منطقه‌ای و بین‌المللی کشور در مقایسه با کشورهای هم‌تراز در حال توسعه، و از جمله برخی از همسایگان ایران بوده است.

۱/۸/۱/۳. عدم تحول صنعتی و اقتصادی متناسب با سطح شایستگی‌ها و مزیت‌های کلی در مقایسه با

کشورهای دیگر در حال توسعه

پرسش آن است که به رغم همه امکانات طبیعی و مادی، ذخایر معدنی، نیروی انسانی جوان و کادرهای تحصیلکرده و متخصص، موقعیت جغرافیایی ممتاز، تنوع آب و هوا و اقلیم و ... چرا ایران نتوانسته است در این دوره نسبتاً بلندمدت، به یک تحول صنعتی و اقتصادی متناسب با سطح شایستگی‌ها و مزیت‌های ملی خود دست یابد و از فرصتهایی که به ویژه در دهه آخر قرن بیستم، و در شرایط کنونی در مقیاس منطقه‌ای و بین‌المللی پیش آمده است، استفاده نماید و از یک کشور متکی بر پایه منابع طبیعی، و تولید و تجارت کالاهای نخستین با ساختار نیمه صنعتی، به کشوری پیشرو با گستره متنوع‌تری از فعالیتهای تولیدی - صنعتی - تجاری متحول شود؟ شایان ذکر است که در همین دو دهه مورد بحث، کشورهایی مانند مالزی، کره جنوبی، چین و ترکیه در آسیا و کشورهای نظیر برزیل، شیلی، آرژانتین، مکزیک و ... در قاره آمریکا (با پایه وسیع جمعیتی) توانسته‌اند با اتخاذ استراتژیها و راهبردهای توسعه مناسب از وضعیتی تقریباً مشابه ایران و عموماً سطوح درآمد سرانه پایین‌تر، به ارقام بالایی از رشد اقتصادی دست یابند، و به تدریج به جرگه کشورهای توسعه یافته صنعتی بپیوندند.

۱/۸/۲. بیان علل به جای بیان معلول‌ها

۱/۸/۲/۱. «چالش‌های انقلاب»، «دگرگونی‌های سیاسی - مدیریتی»، «جنگ تحمیلی طولانی»، «نفت به

منزله تسلط در اقتصاد»، «تحریم خارجی»، «حصار اقتصادی» به عنوان شرایط بخش اول از علل

وقوع بندهای فوق

در پاسخ به پرسش یاد شده طبعاً می‌توان به رخدادهایی که طی همین دو دهه در ایران به وقوع پیوسته است، چون شرایط ناشی از چالش‌های انقلاب، دگرگونی‌های سیاسی - مدیریتی، جنگ تحمیلی طولانی و تخریبها و ویرانی‌های ناشی از آن، افت و خیزهای درآمد نفت به منزله عامل مسلط در اقتصاد ایران، تحریم خارجی و حصر اقتصادی و ... اشاره کرد. لیکن در کنار همه این پدیده‌ها، در ارزیابی علل عملکرد محدود اقتصاد کشور، به هیچ روی نباید از تأثیرگذاری سه عامل عمده و اساسی زیر غفلت کرد.

۱/۸/۲/۲. بخش دوم از علل وقوع بندهای فوق

۱/۸/۲/۲/۱. چیرگی باورها، دیدگاهها و تفکرات مغایر با پیشرفت و قانونمندی‌های توسعه

۱/۸/۲/۲/۲. فقدان طرح راهبردی و خطوط راهنمای فراگیر و همه جانبه توسعه اقتصادی - صنعتی

۱/۸/۲/۲/۳. عملکردهای اجرایی و اتخاذ سیاستها و رویکردهای متغیر و متناقض، شیوه‌های تصمیم‌گیری مقطعی و موضعی و موردی، گزینش رهیافتهای بخشی به جای کلان‌نگری برای حل و فصل مسائل و تنگناهای توسعه، عدم حاکمیت تفکر علمی در مدیریت اقتصادی، اتخاذ روشهای آزمایش و خطا در اقدامات و

سیاست‌گذاری‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت، بدون توجه به نتایج، آثار و هزینه‌های اجتماعی آن و ...

۱/۸/۲/۳. عامل نگرش‌ها و دیدگاه‌های حاکم بر فرآیند توسعه به عنوان نقش غالب و تعیین‌کننده

در میان این مباحث، عامل نگرش‌ها و دیدگاه‌های حاکم بر فرآیند توسعه در اتخاذ سیاستها، عملکردها، روندها و گرایشهایی که در اقتصاد ایران شکل گرفته است، نقشی غالب و تعیین‌کننده داشته است. در غیاب یک برنامه راهبردی بلندمدت برای رشد و توسعه اقتصادی - صنعتی، آنچه که بر رفتارها و عملکردهای مدیریت اقتصادی کشور غلبه داشته است، تفکرات، دیدگاهها و انتظاراتی بوده است که در اکثر موارد بر اساس تجربه‌های توسعه اقتصادی جهان، بعد از انقلاب صنعتی تاکنون، ناممکن و یا ناموفق بوده و به رشد و پیشرفت پایداری منجر نشده، و به دلیل استوار نبودن بر منطق علمی و اقتصادی، در عمل به نتایج معکوس با هدفهای اعلام شده انجامیده است. از جمله این دیدگاهها و الگوهای مطرح شده در دو دهه اخیر در زمینه اداره امور اقتصادی ایران، می‌توان به احکام و شبه‌نظریه‌های زیر اشاره کرد:

۱/۸/۲/۳/۱. محوریت بخش کشاورزی در توسعه اقتصادی کشور و غفلت از گسترش و تعمیق فرآیند صنعتی

شدن

۱/۸/۲/۳/۲. ترغیب روستانشینی و تکیه بر تثبیت جمعیت روستایی، بدون ملاحظه تحولات تکنولوژیک

۱/۸/۲/۳/۳. پذیرش فرضیه «کوچک زیباست»، همراه نگرش منفی نسبت به واحدهای بزرگ و مجتمعهای صنعتی - تجاری، بدون ملاحظه ضرورت پیوند ارگانیک بین خوشه‌ها و گروههای صنعتی کوچک و متوسط با واحدهای صنعتی بزرگ، به منزله هسته‌های اصلی تقاضا کننده

۱/۸/۲/۳/۴. نگرش منفی نسبت به توسعه بخش خصوصی و سرمایه‌گذاری صنعتی

۱/۸/۲/۳/۵. قرینه پنداشتن مفاهیم اقتدار دولت و حاکمیت آن به اندازه و بزرگی دولت

۱/۸/۲/۳/۶. تفکر ناظر بر گسترش تصدی‌گریهای دولت، به منزله شرط لازم برای حل و فصل مشکلات اقتصادی کشور و تأمین نیازهای اساسی مردم

۱/۸/۲/۳/۷. برتری دادن به امر توزیع درآمد و عدالت اجتماعی، بدون تکیه بر افزایش تولید، رشد اقتصادی، ارتقای کارایی و بهره‌وری، به منزله عامل اصلی بالا بردن سطح زندگی و تأمین رفاه و عدالت اجتماعی

۱/۸/۲/۳/۸. غلبه باورهای درونگر متکی به اقتصاد بسته، و خودکفایی در حوزه‌های مهمی چون کشاورزی، صنعت، علوم و تکنولوژی در شرایط ناگزیر ادغام غیر متقارن اقتصاد ایران با اقتصاد جهانی، از طریق نفت

۱/۸/۲/۳/۹. تلقی بازار به منزله ایدئولوژی اقتصادی، و نه ابزاری برای تخصیص منابع و توسعه و پیشرفت

۱/۸/۲/۳/۱۰. باور به گسترش کنترل و دخالت‌های دولت در حوزه‌های اقتصادی چون سهمیه‌بندی، قیمت‌گذاری، مقررات ناظر بر عملکرد بازار کار، اعتبارات کنترل شده بانکی و ... بدون توجه به اثرات آن در ایجاد اختلال و اعوجاج در بازارها و عملکردهای اقتصادی

۱/۸/۳. ضرورت انتخاب مفاهیم نظری، پندارها و دیدگاه‌های مثبت در فرآیند توسعه

۱/۸/۳/۱. علت‌یابی مشکلات و تنگناها

نتیجه این گونه باورها و دیدگاهها، همراه با پرداختن مستمر به عارضه‌ها و معلولها، به جای علت‌یابی مشکلات و تنگناها و یافتن راه‌حلهای در چارچوب تفکری جامع و فراگیر،

۱/۸/۳/۲. توجه به تخصص و تجربه

و بی‌اعتنایی به تخصص، تجربه و شایستگی‌های علمی افراد در حوزه‌های مشخص مدیریتی، به ویژه در امور اقتصادی و نیز مدیریت اقتصادی با نگرشهای غالب و مرسوم تجاری،

۱/۸/۳/۳. اهمیت و نقش سرمایه‌گذاری

و از همه مهم‌تر عدم توجه به اهمیت و نقش سرمایه‌گذاری، به منزله مهم‌ترین عامل رشد اقتصادی، ایجاد اشتغال و رفع بیکاری، سبب شده است که اقتصاد ایران نتواند مسیر اصلاحات ضروری و پیش‌بینی شده در برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی کشور را پیگیری کرده و به نتیجه برساند، و زمینه‌ها و فضای لازم برای قرار گرفتن در کاروان کشورهای نوظهور و پیشرو صنعتی و دستیابی به آرمانها و هدفهای یک جامعه متمدن و مرفه را فراهم آورد.

۱/۸/۴. عدم وجود فرصت برای انتخاب طرح و آزمایش نسبت به مدل‌ها و حاکمیت مدل و

قانون‌مندی‌های واحد بر فرآیند توسعه ملی با شرایط جدید جهانی

حرکت جامعه جهانی، اکنون به گونه‌ای است که از نظر دیدمانهای توسعه و مدلها، راهبردها و سیاستهای اقتصادی، نوعی هماهنگی و همگرایی با قوت در حال شکل‌گیری است، که فرصت زیادی برای طرح و انتخاب مدل‌های گوناگون نظیر مدل‌های روسی، چینی، کوبایی، ویتنامی، هندی، الجزایری و ... آزمایش راه اول، دوم، سوم و ... باقی نمی‌گذارد. اکنون نیروهای پیش‌برنده جهانی شدن و عمده تحولات فناوری در حوزه اطلاعات و ارتباطات از یک سو، و آزادسازی رژیمهای تجاری، سرمایه‌گذاری و مالی در اغلب کشورهای جهان از سوی دیگر، مدل و قانونمندی‌های واحدی را بر فرآیند توسعه ملی کشورها حاکم کرده، و حاکمیت‌های ملی را مجبور ساخته که به گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر از لحاظ اصولی و راهبردی، با وجود اختلاف در جزئیات سیاست‌گذاری داخلی و توجه به ضرورت ملی و مراحل رشد، از انگاره‌های واحدی پیروی و تبعیت کرده یا در آینده نه چندان دور چنین کنند.

۱/۹. ضرورت مقایسه سند چشم‌انداز پیشنهادی با سند چشم‌انداز ابلاغی از طرف مقام معظم

رهبری (دام‌ظله)^۱

۱/۹/۱. ویژگی‌های جامعه مطلوب در چشم‌انداز توسعه ایران

با توجه به فراهم بودن زیرساخت‌های لازم برای مرحله جهش اولیه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، هدفها و ویژگی‌های جامعه مطلوب در افق چشم‌انداز توسعه بلندمدت جمهوری اسلامی ایران (سال ۱۴۰۴)، به شرح زیر است:

- ۱/۹/۱/۱. جامعه‌ای متکی بر اصول اخلاقی و ارزشهای دینی، ملی، انقلابی و متکی بر مردم‌سالاری دینی، همراه با پاسداری از آزادیهای مشروع و حقوق انسانی و مدنی
- ۱/۹/۱/۲. ایرانی امن، مستقل، مقتدر، همراه با تقویت سامان دفاعی، مبتنی بر بازدارندگی مثبت و پیوستگی مردم و حکومت
- ۱/۹/۱/۳. کشوری دست یافته به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در مقیاس منطقه‌ای، توسعه یافته همراه با رشد پرشتاب علمی، کاهش نرخ بیکاری و ارتقای سطح و کیفیت زندگی مردم
- ۱/۹/۱/۴. جامعه‌ای متعادل از هر نظر، برخوردار از سلامت و بهره‌مند از عدالت اجتماعی، نظام تأمین اجتماعی پویا و کارآمد، فرصتهای برابر، رفع فقر، فساد و تبعیض و استواری نهاد خانواده
- ۱/۹/۱/۵. جامعه‌ای فعال، مؤثر، مسئولیت‌پذیر، دین‌باور، رضایتمند و علاقمند به نظام اسلامی، و شکوفایی ایران و مفتخر به ایرانی بودن
- ۱/۹/۱/۶. جامعه‌ای برخوردار از روابط گسترش‌یابنده در تعامل با جهان، مبتنی بر منافع ملی و اصول «حکمت، عزت و مصلحت»
- ۱/۹/۱/۷. جامعه‌ای سالم و بهره‌مند از محیط زیست مطلوب
- ۱/۹/۲. چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی ، ابلاغی مقام معظم رهبری**
- با اتکال به قدرت لایزال الهی و در پرتو ایمان و عزم ملی و کوشش برنامه‌ریزی شده و مدبرانه‌ی جمعی و در مسیر تحقق آرمانها و اصول قانون اساسی، در چشم‌انداز بیست ساله:
- ایران کشوری است توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و م و ثر در روابط بین الملل .
- جامعه ایرانی در افق این چشم‌انداز چنین ویژگی‌هایی خواهد داشت:
- ۱/۹/۲/۱. توسعه یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود و متکی بر اصول اخلاقی و ارزشهای اسلامی، ملی و انقلابی، با تأکید بر مردم‌سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادیهای مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسانها و بهره‌مند از امنیت اجتماعی و قضایی
- ۱/۹/۲/۲. برخوردار از دانش پیشرفته، توانا و تولید علم و فناوری، متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی
- ۱/۹/۲/۳. امن، مستقل، مقتدر با سامان دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه جانبه و پیوستگی مردم و حکومت
- ۱/۹/۲/۴. برخوردار از سلامت، رفاه و امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصتهای برابر، توزیع مناسب نهاد مستحکم خانواده، به دور از فقر، فساد، تبعیض و بهره‌مند از محیط زیست مطلوب
- ۱/۹/۲/۵. فعال، مسئولیت‌پذیر، ایثارگر، مؤمن، رضایتمند، برخوردار از وجدان کاری، انضباط، روحیه‌ی تعاون و سازگاری اجتماعی، متعهد به انقلاب و نظام اسلامی و شکوفایی ایران و مفتخر به ایرانی بودن

۱/۹/۲/۶. دست یافته به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه‌ی آسیای جنوب غربی (شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه)، با تأکید بر جنبش نرم‌افزاری و تولید علم، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، ارتقای نسبی سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل

۱/۹/۲/۷. الهام‌بخش، فعال و مؤثر در جهان اسلام، با تحکیم الگوی مردم‌سالاری دینی، توسعه‌ی کارآمد، جامعه اخلاقی، نواندیشی و پویایی فکری و اجتماعی، تأثیرگذار بر همگرایی اسلامی و منطقه‌ای براساس تعالیم اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی (ره)

۱/۹/۲/۸. دارای تعامل سازنده و مؤثر با جهان بر اساس اصول عزت، حکمت و مصلحت

ملاحظه:

در تهیه، تدوین و تصویب برنامه‌های توسعه و بودجه‌های سالیانه، این نکته مورد توجه قرار گیرد که: شاخصهای کمی کلان آنها، از قبیل: نرخ سرمایه‌گذاری، درآمد سرانه، تولید ناخالص ملی، نرخ اشتغال و تورم، کاهش فاصله درآمد میان دهکهای بالا و پایین جامعه، رشد فرهنگ و آموزش و پژوهش و توانایی‌های دفاعی و امنیتی، باید متناسب با سیاستهای توسعه و اهداف و الزامات چشم‌انداز، تنظیم و تعیین گردد و این سیاستها و هدفها به صورت کامل مراعات شود.

ادبیات توسعه

۱. توسعه به مفهوم نوگرایی و مدرن شدن

تغییر زندگی

تغییر خود انسان

بهبود ابعاد مرتبط به هم

سطح و میزان محصول و درآمد ملی

شرایط تولید

سطح زندگی (تغذیه، مسکن، بهداشت و آموزش)

شرایط و محیط کار

شرایط و محیط نهادها و سیاستها

توسعه فرآیندی است که طی آن باورهای فرهنگی و نهادهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، به صورت بنیادی متحول می‌شوند تا متناسب با ظرفیت‌های شناخته شده، جدید شوند.

طی این فرآیند، سطح رفاه جامعه ارتقاء می‌یابد.

۱/۱. دسترسی به توسعه

تغییر رابطه بین کشورهای مرکز و کشورهای پیرامونی
«مکتب وابستگی و اعضای کمیسیون اقتصادی آمریکای لاتین»

توسعه

فرآیند بهبود

با توجه به مجموعه‌ای از شاخص‌ها و معیارها یا ارزش‌ها «نویسنده»

توسعه

فرآیند بهبود

در مبانی علمی

و فنی تولید

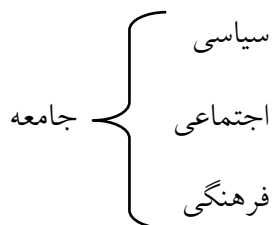
و دگرگونی و بهبود در

«نویسنده»

سطح زندگی

شرایط کار

نحوه مدیریت نهادی



۱/۲. دگرگونی مفهوم توسعه

ارزش‌ها به شرایط مطلوب و مورد نظر هر جامعه بستگی دارد.

هیچ الگوی جهانی، برای سنجش ارزش‌ها موجود نیست.

لذا مفهوم توسعه، جنبه نظری و ارزشی داشته که از یک جامعه به جامعه دیگر،

و از یک زبان به زبان دیگر،

در حال دگرگونی است.

به این ترتیب دیدگاه ارزشی افراد، در تبیین درجه توسعه هر جامعه، مهم می‌باشد و با توجه به متفاوت بودن دیدگاه ارزشی افراد، معانی متعددی برای توسعه مطرح می‌گردد.

۱/۳. اقتصادمحوری در ادبیات توسعه

تحقق اهداف اقتصادی از اولویت برخوردار است

به دلیل کاهش:

«سوء تغذیه» و «سوء بهداشت»

«بیکاری» و «نابرابری درآمدها»

«نرخ بی‌سوادی» و غیره

۴

۲

۱

پس از این مرحله (تحقق اهداف اقتصادی) است که اهداف «اجتماعی»، «فرهنگی» و «سیاسی» اهمیت می‌یابند.

دستیابی به نوعی از نظم، ثبات و تعادل پایدار سیاسی و اجتماعی هدف بلندمدت توسعه خواهد بود.

۱/۳/۱. ضرورت نظام‌مند کردن تعریف توسعه اقتصادی

۱. توسعه اقتصادی:

فرآیند افزایش تولید سرانه شاغلین نیروی کار در بلندمدت

«آرتور لوئیس»

عنوان تبعی

۲. توسعه اقتصادی:

فرآیند افزایش درآمد سرانه شاغلین نیروی کار در بلندمدت

«لی یرز»

۳. توسعه اقتصادی:

فرآیند تبدیل اقتصاد دوگانه (سستی و مدرن) به اقتصاد مدرن

«میلینز»

عنوان فرعی

۴. توسعه اقتصادی:

فرآیند افزایش ظرفیت‌های تولیدی در بلندمدت

و تنوع در تولیدات یک جامعه در بلند مدت

«کوزنتس»

عنوان اصلی

۱/۳/۲. ساختار عناوین جامعه‌شناختی مادی

نهادهای متناسب با الگوی توسعه	ساختار عناوین جامعه‌شناختی مادی	
<p>- نظام پیوستگی اقتصاد در جهان: عضویت در سازمان‌های بین‌المللی، نظام گمرکی نسبتاً باز و نظام حمایت‌های اقتصادی متناسب</p> <p>- زیرساخت‌های اقتصادی: بازار سرمایه (پذیرفته بودن سود در امر اقتصادی و...)، شبکه بانکی گسترده</p> <p>- ساختار بودجه دولت: متکی بر تولید اقتصادی جامعه، متکی بر کار مردم، قانون‌مند، متکی بر نگرش آینده‌نگری و مدیریت علمی و فنی</p> <p>- مجامع و تشکیلات صنعتی، تولیدی شرکت‌های سرمایه‌گذاری: مستقل از دولت، متنوع، دارای قدرت و محل پرورش نوآوران اقتصادی</p>	<p>- تأمین مخارج معیشتی خانوارها در زمینه نیازهای اساسی (از جمله: غذا، پوشاک، مسکن، بهداشت، درمان و سایر موارد)</p> <p>- وجود کار برای سرپرستان خانوار</p> <p>- برابری اقتصادی</p> <p>- استحکام و قوام مالی</p> <p>- ارتقای سطح زندگی</p>	<p>اقتصادی و تولیدی</p>
<p>- مؤسسات پژوهش‌های کاربردی R&D: مستقل از دولت، متنوع، فراگیر و محل پرورش نوآوران</p> <p>- مؤسسات نظریه‌پردازی، مجامع علمی و مؤسسات تحقیقاتی: مستقل از دولت، آزاد و فقط محدود به علم و محل پرورش دانشمندان فنی</p> <p>- دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی: مستقل از دولت، معتبر و در اختیار صاحبان استعداد</p> <p>- نظام آموزش عمومی: فراگیر، متکی بر هدف اصلی پرورش انسان‌های نو و اجتماعی کردن انسان‌ها، رایگان برای عموم، متکی بر نیروی انسانی ویژه و فضاهای آموزشی مناسب</p> <p>- نظام آموزش فنی و حرفه‌ای: فراگیر، در ارتباط مستقیم با بافت اقتصادی جامعه و محل عرضه نیروی انسانی ماهر</p>	<p>- افزایش دسترسی عموم به آموزش</p> <p>- ازدیاد نرخ باسوادی در جامعه</p> <p>- خردگرایی</p> <p>- توسعه دانش</p>	<p>علمی</p>

<p>- زیرساخت‌های اجتماعی: نظام حمایت‌های اجتماعی معقول و فراگیر، نظام بیمه‌های اجتماعی فراگیر و نظام بیمه‌های فردی فراگیر</p> <p>- رسانه‌های جمعی: مستقل از دولت، متنوع، فراگیر و آزاد</p> <p>- نهاد حکومتی بر دموکراسی: مشروعیت علم در امور علمی، مشروعیت آرای عمومی در امور غیرعلمی، محدودیت دخالت‌های دولت، عدم تمرکز در تصمیم‌گیری‌ها، مشارکت خلاق واقعی و شکوفای مردم</p> <p>- نهاد قضایی پاسدار حریم آزادی‌های مردم: مستقل از دولت، مقتدر، قانون‌مند، کارآ، سریع، ارزان و در دسترس مردم</p>	<p>- برابری اجتماعی</p> <p>- انضباط اجتماعی</p> <p>- افزایش مشارکت عموم افراد در اداره جامعه و حکومت</p> <p>- افزایش بهره‌وری</p> <p>- بهبود رفتارها و عادات و رسوم</p> <p>- بهبود نهادها</p>	<p>فرهنگی و اجتماعی</p>
<p>- احزاب سیاسی: مستقل از دولت، متنوع، فراگیر و محل پرورش نوآوران سیاسی</p> <p>- نظام تشنج‌زدایی از روابط خارجی: سیاست خارجی معقول، نیروهای دفاعی، اتحادیه‌ها و پیوندهای منطقه‌ای اقتصاد قوی و پیوندهای فرهنگی گسترده</p>	<p>- اجرای مؤثر برنامه‌ریزی توسعه</p> <p>- دموکراسی به طور ریشه‌ای و گسترده در سطح جامعه</p> <p>- استقلال ملی به مفهوم عدم تأثیرپذیری (سایر دولت‌ها) بر تصمیمات دولت ملی از تصمیمات سایر دولت‌ها</p>	<p>سیاسی حکومتی اجرایی</p>

۱/۴. بررسی نظریه‌های حاکم بر فرآیند توسعه

۱/۴/۱. درون‌گرا

۱/۴/۱/۱. الگوی خطی مراحل رشد

پیش‌فرض‌ها:

۱. فرآیند توسعه: یک رشته از مراحل متناوب از رشد اقتصادی
۲. مرحله جامعه سنتی (ماقبل جهش)، مرحله به سوی بلوغ اقتصاد و عصر مصرف انبوه (مرحله جهش)، مرحله رشد پایدار
۳. بعضی از مراحل رشد اقتصادی
 - ۳/۱. نرخ بازدهی سرمایه‌گذاری از پنج درصد به بیش از ده درصد (درآمد ملی یا تولید ناخالص ملی)
 - ۳/۲. توسعه یک یا چند واحد صنعتی تولیدکننده ماشین‌آلات و سایر محصولات صنعتی با نرخ رشد بسیار زیاد
 - ۳/۳. وجود چارچوب لازم سیاسی، اجتماعی و چارچوب نهادی و سازمانی جهت ایجاد شرایط لازم برای گسترش بخش مدرن اقتصادی
 - ۳/۴. تجهیز پس‌اندازهای داخلی و خارجی به منظور ایجاد سرمایه کافی برای تسریع رشد اقتصادی
۴. مکانیزم اقتصادی افزایش سرمایه‌گذاری‌ها بر حسب مدل اقتصاد کلان رشد «هارود دومار»

۱/۴/۱/۲. نظریه‌ها و الگوهای تغییرات ساختاری

پیش‌فرض‌ها: تبدیل بخش کشاورزی سنتی معیشتی به اقتصاد مدرن و شهری خدماتی و صنعتی از طریق:

۱. انباشت سرمایه فیزیکی و انسانی
۲. تغییر در ساختار تولید

۳. تغییر تقاضای مصرف‌کننده
۴. تجارت خارجی
۵. استفاده از منابع
۶. تغییر در عوامل اقتصادی - اجتماعی مانند شهرنشینی و رشد و توزیع جمعیت
۷. تأکید بر محدودیت‌های داخلی (منابع طبیعی و مادی، حجم جمعیت کشور، محدودیت‌های نهادی مانند سیاست‌ها و هدف‌های دولت)
۸. تأکید بر محدودیت‌های بین‌المللی توسعه (شامل دسترسی به سرمایه، تکنولوژی خارجی و تجارت بین‌المللی)

به دلیل تفاوت در سطوح توسعه بین کشورهای در حال توسعه

مکانیزم: ابزارهای قیمتی نئوکلاسیک

تشریح فرآیند: نظریه تخصیص منابع و اقتصادسنجی نوین

۱/۴/۲. برون‌گرا

۱/۴/۲/۱. الگوی نئوکلاسیکی بازار آزاد

توسعه‌نیافتگی ناشی از تخصیص نامطلوب منابع به دلیل:

سیاست‌های ناصحیح قیمتی

دخالت بیش از حد دولت

توسعه‌یافتگی (بالارفتن کارایی و رشد اقتصادی) با:

شکوفای کردن بازار آزاد رقابتی

خصوصی کردن بنگاه‌های دولتی

تشویق صادرات و

تجارت آزاد

استقبال از سرمایه‌گذاران کشورهای توسعه‌یافته

حذف مقررات زائد دولتی و

انحرافات قیمتی

مدل رشد سواد، نماینده مدل‌های رشد نئوکلاسیک

۱/۴/۲/۲. نظریه رشد درون‌زا

در این نظریه، نرخ رشد تولید ناخالص ملی، به وسیله نظامی که فرآیند تولید را هدایت می‌کند تبیین می‌شود و رشد تولید ناخالص ملی نتیجه تعادل بلندمدت است.

تبیین عوامل تعیین‌کننده رشد و توضیح تفاوت نرخ رشد کشورها
انگیزه اصلی این نظریه می‌باشد.

به تبیین علل جریان بین‌المللی سرمایه که ثروت بین کشورهای ثروتمند و فقیر را تشدید می‌کند می‌پردازد. این نظریه به دنبال بن‌بست‌های الگوی نئوکلاسیکی بازار آزاد به وجود آمده است.

۱/۴/۲/۳. شرایط فرآیند توسعه اقتصادی

در فرآیند توسعه اقتصادی باید موارد ذیل در نظر گرفته شود:

۱. نمودار شماره ۲: مقایسه الگوی توسعه (کشورهای توسعه‌یافته با کشورهای توسعه‌نیافته)

۲. انتخاب الگوی و مدل مناسب توسعه (چارچوب نظری الگوی جهانی شدن)

۳. تعیین محورهای توسعه

۳/۱. ارزش افزوده بالا

۳/۲. اشتغال‌زایی

۳/۳. عدم آلودگی محیط زیست

۳/۴. ارتقای رشد فن‌آوری

۳/۵. هماهنگی با نیازها و توسعه آتی جهان

۳/۶. مزیت نیروی انسانی

۴. بسترسازی جهت تحقق توسعه

۳/۱. ضوابط داخلی

۳/۲. ضوابط بین‌المللی

۱/۴/۱. جایگزین واردات

۱/۴/۲. ساخت ظرفیت‌های تولید کالاهای سرمایه‌ای

۱/۴/۳. توسعه صادرات

۵. برنامه‌ریزی و کنترل

۶. به‌کارگیری ابزار، جهت توسعه

خلاصه نظریه جهانی شدن:

۱. چارچوب نظری الگوی جهانی شدن در مقایسه الگوی توسعه کشورهای توسعه‌یافته با کشورهای توسعه‌نیافته و کم کردن فاصله

۲. بسترسازی جهت تحقق توسعه

۳. انتخاب استراتژی

۴. تعیین محورهای توسعه

۵. برنامه‌ریزی و کنترل

۶. به‌کارگیری ابزار، جهت توسعه

۱/۴/۳. رویکرد حزبی به توسعه اقتصادی

پیش‌فرض‌ها:

۱. توسعه‌نیافتگی بر حسب قدرت داخلی و بین‌المللی

۲. توسعه‌نیافتگی بر حسب انعطاف‌پذیری نهادی و ساختاری

۳. ضرورت جهت‌گیری سیاست‌ها برای رفع فقر

تأمین امکانات متنوع اشتغال

کاهش نابرابری

۴. تحلیل توسعه‌نیافتگی در سه مکتب:

«الگوی نواستعماری»

شرایط نابرابر قدرت

«الگوی نادرست»

نصایح نادرست و نامناسب مشاورین
متخصص خوش نیت و در عین حال
ناآگاه از برنامه سازمان‌های کمک‌دهنده
کشورها یا توسعه‌یافته و سازمان‌های
پرداخت‌کننده کمک‌های بلاعوض
چندملیتی

«الگوی دوگانگی توسعه»

تداوم تباین فزاینده بین کشورهای
ثروتمند و فقیر در سطح بین‌المللی
انباشت ثروت در میان مناطق فقیر
کشورهای در حال توسعه



تولید مبنای نظری برنامه‌های توسعه اسلامی

ادبیات انقلاب (فیش‌های جمع‌آوری شده از متن کتاب)

نقد و نقض مبنای نظری و مستندات برنامه توسعه چهارم

مندرجات گزارش:

۱. مبانی ارزشی چشم‌انداز
۲. تصویر جامعه آرمانی برگرفته از قانون اساسی
۳. سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران
۴. انتخاب مفاهیم نظری، پندارها و دیدگاه‌های مثبت در فرآیند توسعه
۵. تبیین نقش و جایگاه کیفیت سطح زندگی در توسعه
۶. کیفیت زندگی در بخش تأمین اجتماعی

حسینیه اندیشه

محتوا

مدت پژوهش: روز

۱۳۸۵/

تاریخ شروع:

۱۳۸۵/

تاریخ پایان:

گزارش شماره دوازده

سرپرست پژوهش: حجت‌الاسلام والمسلمین مسعود صدوق
کارشناسان پژوهش: حجج اسلام؛ موسوی موشح، روح‌الله صدوق، علی‌رضا انجم‌شعاع،
احمد زیبایی‌نژاد و محمدصادق حیدری
انتشارات: معاونت برنامه
نگارش: سوم
تاریخ نشر: ۱۳۸۶/۲/۱

معاونت پژوهش

فهرست

- فصل اول: مبانی ارزشی چشم‌انداز..... ۵
- ویژگی‌های جامعه آرمانی برگرفته از قانون اساسی ۵
- مرحله کنونی رشد کشور، در راستای جامعه آرمانی و در افق چشم‌انداز..... ۷
- تصویر جامعه آرمانی در قانون اساسی..... ۸
- طرح موضوع..... ۸
- تصویر جامعه آرمانی در قانون اساسی و مراحل رشد..... ۹
- ویژگی‌های جامعه آرمانی و اصول و ارزش‌های متعالی حاکم بر فرآیند توسعه و توسعه اقتصادی-اجتماعی کشور (قانون اساسی، سیاست‌های کلی نظام)..... ۱۲
- سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق سال ۱۴۰۴ ه.ش. (ابلاغیه مقام معظم رهبری)..... ۱۳
- بخشنامه سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، موضوع ابلاغ سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه..... ۱۳
- چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی، ابلاغیه مقام معظم رهبری..... ۱۳
- نامه مقام معظم رهبری، موضوع ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه..... ۱۴
- انتخاب مفاهیم نظری، پندارها و دیدگاه‌های مثبت در فرآیند توسعه (نقد ادبیات انقلاب از پایگاه ادبیات توسعه)..... ۱۵
- موازن کلی چشم‌انداز..... ۱۷
- سند چشم‌انداز..... ۲۱
- ۱- ویژگی‌های جامعه مطلوب در چشم‌انداز توسعه ایران..... ۲۱
- ۲- سیاست‌های کلی نظام در دوره چشم‌انداز..... ۲۲
- ۳- آینده‌های ممکن در افق چشم‌انداز..... ۲۴
- ۳-۷- تبیین نقش و جایگاه کیفیت سطح زندگی در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور..... ۲۵
- ۵-۷- کیفیت زندگی در بخش تأمین اجتماعی..... ۲۵
- الف: تعاریف و چارچوب مفهومی..... ۲۵
- الف-۱: شاخص کیفیت مادی زندگی..... ۲۵
- الف-۲: شاخص توسعه انسانی..... ۲۵
- الف-۳: شاخصهای کیفیت زندگی..... ۲۶
- الف-۴: شاخصهای خدمات اجتماعی..... ۲۶

- الف-۵: شاخص عدالت اجتماعی..... ۲۶
- الف-۶: شاخصهای حوادث و سوانح..... ۲۶
- الف-۷: شاخصهای آموزش و کیفیت نیروی انسانی..... ۲۶
- الف-۸: شاخصهای اشتغال و بیکاری..... ۲۷
- ب: تبیین نقش و جایگاه تأمین اجتماعی در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور..... ۲۷
- ب-۱: اهداف و اقدامهای دولت..... ۲۷
- ب-۱-۱: سه نیاز اصلی انسان..... ۲۷
- ب-۱-۲: اهداف..... ۲۷
- ب-۱-۳: اقدامها..... ۲۷

فصل اول: مبانی ارزشی چشم‌انداز^۱

ویژگی‌های جامعه آرمانی برگرفته از قانون اساسی^۲

جامعه آرمانی مورد نظر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جامعه‌ای است که در آن بر پایه اصول اساسی اسلام، کرامت و آزادی انسان حفظ، و شرایط رشد او در حرکت به سوی نظام الهی، فراهم آمده است. در چنین جامعه‌ای، اقتصاد وسیله است و در تحکیم بنیادهای اقتصادی، اصل رفع نیازهای انسان در جریان رشد و تکامل اوست.

خصوصیات اساسی جامعه مورد بحث در قانون اساسی به شرح زیر است:

۱- استقلال سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

۲- آزادی به منزله عامل تحقق استقلال و استعدادهاى ملی

۳- وجود عدالت اجتماعی و نبودن فقر و محرومیت

۴- تأمین نیازهای انسانی، در جریان رشد و تکامل او

۵- بالندگی تولید و اشتغال کامل مولد

استقلال سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

الزامهای استقلال سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی عبارتند از:

الف: ثبات سیاسی و نظم حقوقی و نهادی معطوف به توسعه اقتصادی متکی به مشارکت عامه

ب: توان داخلی برای گسترش مناسب ظرفیتهای تولیدی، با توجه به معیارهای اقتصادی

ج: توان سازماندهی اقتصادی مؤثر، به ویژه در روابط بین‌المللی، برای تأمین بهتر منافع ملی

د: توان توسعه علوم، فناوری و استفاده مؤثر از فناوری‌های نوین

هـ: توان تأمین و نگهداشت سرمایه انسانی

و: تأمین مطمئن و اقتصادی کالاها و خدمات مورد نیاز جامعه رو به رشد ایران، از طریق پیوستگی معقول

۱. دو شماره ۱ با هم ادغام و خلاصه شود.

۲. صفحات: ۵۷۷ تا ۵۸۱

ز: برخورداری از توان دفاعی برای حفظ استقلال سیاسی و تمامیت ارضی

آزادی به منزله عامل تحقق استقلال و استعدادهای ملی

الف: تأمین آزادیهای سیاسی و اجتماعی در حدود قانون

ب: مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش

ج: ممنوعیت تفتیش عقاید و عدم مؤاخذه و تعرض به افراد، به صرف عقیده‌ای خاص

د: تأمین آزادی احزاب، جمعیتها، انجمنهای سیاسی، صنفی و انجمنهای اسلامی یا اقلیتهای دینی شناخته شده، در چارچوب اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و قانونی

هـ: رعایت آزادی انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری

تأمین نیازهای انسان در جریان رشد و تکامل

نیازهای انسان در جریان رشد و تکامل، آن چنان که در قانون اساسی آمده است، مشتمل بر دو گروه، نیازهای فردی و نیازهای اجتماعی است.

الف: نیازهای فردی

خوراک، پوشاک، مسکن، بهداشت و درمان، آموزش و پرورش، تشکیل خانواده، شغل، مالکیت مشروع، حق دادخواهی قانونی و فرصت برای خودسازی معنوی، سیاسی، اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار.

ب: نیازهای اجتماعی

فرهنگ متعالی، تأمین اجتماعی، امنیت قضایی، توان دفاعی، فناوری پیشرفته و محیط زیست سالم.

عدالت اجتماعی و نبودن فقر و محرومیت

ویژگی‌های عدالت اجتماعی و رفع فقر و محرومیت عبارتند از:

الف: برابری فرصتها و امکانات در دستیابی به آموزش، اشتغال، سرمایه و ابزار کار برای همه

ب: تأمین حداقل قابل قبول نیازهای اساسی مردم

ج: کاهش تفاوت‌های بین درآمد و ثروت به حداقل ممکن و متناسب با توسعه سالم اقتصادی - اجتماعی

د: تعادل نسبی اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی بین مناطق و استانهای کشور

بالندگی تولید و اشتغال کامل مولد

رشد مستمر تولید در تمامی شرایط، از ضروریات توسعه است. چنین رشدی باید دارای ویژگی‌های ذیل باشد:

الف: اتکا به اقتصادی مولد، و دانش - پایه و رقابتی

ب: استفاده از فناوری‌های نوین و مشارکت فعال نیروی کار جامعه، در ایجاد رشد

ج: فراهم کردن موجبات ارتقای سرمایه اجتماعی و سرمایه انسانی کشور، در جریان رشد و بهبود توان توسعه فناوری

د: توسعه و ساماندهی نهادهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به منظور تحقق رشد مستمر، با توجه به تحولات جهانی

هـ: استفاده حداکثر از امکانات، فرصتهای بین‌المللی و بازارهای جهانی در مسیر رشد اقتصادی

مرحله کنونی رشد کشور، در راستای جامعه آرمانی و در افق چشم‌انداز

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در اصل چهل و سوم، به «رعایت ضرورت‌های حاکم بر برنامه‌ریزی عمومی اقتصاد کشور، در هر یک از مراحل رشد» اشاره نموده است.

جهان امروز جهانی است که:

- انسان به مرزهای بسیار بالای علوم و فناوری دست یافته است.

- عرضه علوم و فناوری دارای خصلتی متمرکز و شبه انحصاری است.

- بدون دسترسی مستمر به علوم و فناوری پیشرفته، تداوم سازندگی و شکوفایی اقتصادی و اجتماعی، امکان ناپذیر است.

- بستگی‌های متقابل جهانی، امری احتراز ناپذیر و برای رشد و تعالی اقتصادی ضرورتی است مسلم

- کشورهای کم توسعه یافته امروز می‌توانند با اتخاذ استراتژیها و برنامه‌ریزی‌های مناسب و صحیح، متکی بر استفاده از امکانات خویش و دست آوردهای انسانی عصر حاضر، فقر و محرومیت را ریشه‌کن سازند.

ایران امروز جامعه‌ای است که:

- فناوری در دسترس جامعه علمی‌رغم پیشرفتهای محسوس آن، در سطحی پایین قرار دارد.

- وجود منابع غنی نفت و گاز و سایر کانیها، امکان مالی دسترسی به دستاوردهای پیشرفته جهان امروز را برای جامعه، فراهم آورده است.

- زیرساختهای اجتماعی، فیزیکی، تشکیلاتی و حقوقی لازم برای رشد و توسعه پایدار وجود دارد.

- استقلال سیاسی حاصل آمده و می‌تواند پایه تنظیم و اجرای برنامه‌های مناسب توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور قرار گیرد.

- نیروی انسانی متخصص، برای اجرای برنامه‌های توسعه و گسترش توان علمی و فناوری در جامعه وجود

با توجه به ویژگی‌های جهان امروز و شرایط کنونی جامعه ایران، الزامهای مرحله‌ای رشد جامعه ایران در افق چشم‌انداز، در برگیرنده خطوط کلی زیر است:

۱- گسترش و تعمیق فرایند و فرهنگ توسعه صنعتی کشور، خدمات مولد ارزش افزوده بالا، جایگیری در حوزه‌های مناسب و برتر در تقسیم کار جهانی، در راستای ارتقای موقعیت و منزلت منطقه‌ای و بین‌المللی ایران

۲- ظرفیت سازی و توانمند سازی جامعه، با تکیه بر علوم و فناوری‌های نوین

۳- وجود دولتی توانمند، کارآمد، خردمند و معطوف به رشد و توسعه، در فضای جدید جامعه جهانی

۴- احترام به حقوق خصوصی و ایجاد ساختارهای انگیزشی مناسب فردی و اجتماعی، برای شکل‌گیری رشد پایدار و تحقق امنیت انسانی

تصویر جامعه آرمانی در قانون اساسی^۱

طرح موضوع^۲

چشم‌اندازها، مستقل از دامنه و گستره‌ای که در ابعاد مختلف زندگی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی هر نظامی در بر می‌گیرند، همواره افقهای نوین و متفاوتی بسیار فراتر از دیدگاههای کوتاه‌مدت، میان‌مدت و حتی بلندمدت متعارف، پیش روی برنامه‌ریزان می‌کشایند و تهدیدها و فرصتهایی حتی فراتر از یک نسل را برای گریز از انتخابهای نادرست و تمرکز همه جانبه امکانات، استعدادها و اقتدار یک ملت، در جهت تحقق خواسته‌های خود امکان‌پذیر می‌سازد.

اگر چه در شرایط ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی متفاوت، عوامل مؤثر بر شکل‌گیری یک چشم‌انداز توسعه، متفاوت است، ولی در یک جمع‌بندی کلی:

۱- ترکیبی از آرمانها و ویژگی‌های جامعه ایده‌آل یک ملت (که اصولاً باید آن را در حقوق اساسی ملتها جستجو کرد).

۲- شرایط اقتصادی - اجتماعی موجود

۳- تحولات بین‌المللی و منطقه‌ای و ویژگی‌های اقتصادی و فناوری فضای جهانی، تصویر قابل قبول، منطقی و در عین حال جاه‌طلبانه جامعه آینده و مراحل دستیابی به آن را به نمایش می‌گذارد.

اگر چه تحقق هر چشم‌اندازی از وضع موجود و حال آغاز می‌شود، ولی تدوین چشم‌اندازها، همواره با این

۱. صفحه: ۲۹

۲. صفحه: ۳۱

پیش‌فرض آغاز می‌گردد که تحولات ساختاری، و شکل‌گیری شرایطی کاملاً متفاوت از وضع موجود، در دوره زمانی یک چشم‌انداز، امکان‌پذیر و به اندازه کافی امید بخش و برانگیزاننده است.

سند حاضر به بحث و بررسی خصوصیات جامعه آرمانی جمهوری اسلامی ایران، بر اساس قانون اساسی و سازماندهی کلی اقتصادی جامعه مورد نظر، اختصاص دارد.

تصویر جامعه آرمانی در قانون اساسی و مراحل رشد^۱

۱- ویژگی‌های جامعه آرمانی مستنبط از قانون اساسی

جامعه آرمانی مورد نظر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جامعه‌ای است که در آن بر پایه اصول اساسی اسلام، کرامت و آزادگی انسان حفظ و شرایط رشد او در حرکت به سوی نظام الهی فراهم آمده است. در چنین جامعه‌ای، اقتصاد، وسیله است و رفع نیازهای انسان در جریان رشد و تکامل او، در جهت تحکیم بنیادهای اقتصادی، اصل مورد توجه می‌باشد.

خصوصیات اساسی جامعه مورد بحث در قانون اساسی، به شرح زیر است:

- استقلال سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

- آزادی به منزله عامل تحقق استقلال و استعدادهای ملی

- وجود عدالت اجتماعی و نبودن فقر و محرومیت

- تأمین نیازهای انسانی در جریان رشد و تکامل او

- بالندگی تولید و اشتغال کامل مولد

استقلال سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

الزامات استقلال سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی عبارتند از:

الف: ثبات سیاسی و نظم حقوقی و نهادی معطوف به توسعه اقتصادی رقابتی، آزاد و متکی به مشارکت عامه

ب: توان داخلی برای گسترش مناسب ظرفیتهای تولیدی، با توجه به ملاحظات اقتصادی

ج: توان سازماندهی اقتصادی مؤثر، به ویژه در روابط بین‌المللی برای تأمین بهتر منافع ملی^۲

د: توان توسعه علوم، فناوری و استفاده مؤثر از فناوری **ICT** و سایر فناوری‌های آینده‌دار

۱. صفحات: ۳۲ تا ۳۶

۲. منافع ملی جمهوری اسلامی ایران را در جهان متحول کنونی، به گونه‌های مختلفی می‌توان تعریف کرد:

(۱) تمامیت ارضی و تأمین امنیت، (۲) رفاه و رونق و توسعه اقتصادی، (۳) پایداری و پویایی ارزشهای ملی، (۴) نظم منطقه‌ای و جهانی مورد نظر

هـ: توان تأمین و نگاه‌داشت سرمایه انسانی

و: تأمین مطمئن و اقتصادی کالاها و خدمات مورد نیاز جامعه رو به رشد ایران، از طریق پیوستگی معقول با دنیای خارج

ز: برخورداری از توان دفاعی برای حفظ استقلال سیاسی و تمامیت ارضی

آزادی به منزله عامل تحقق استقلال و استعدادهای ملی

الف: تأمین آزادیهای سیاسی و اجتماعی، در حدود قانون

ب: مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش

ج: ممنوعیت تفتیش عقاید و عدم مؤاخذه و تعرض به افراد، به صرف عقیده‌ای خاص

د: تأمین آزادی احزاب، جمعیتها، انجمنهای سیاسی، صنفی و انجمنهای اسلامی یا اقلیتهای دینی شناخته شده، در چارچوب اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و قانون اساسی جمهوری اسلامی

هـ: رعایت آزادی انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری

وجود عدالت اجتماعی و نبودن فقر و محرومیت

ویژگی‌های عدالت اجتماعی و رفع فقر و محرومیت، عبارتند از:

الف: برابری فرصتها و امکانات در دستیابی به آموزش، اشتغال، سرمایه و ابزار کار برای همه

ب: تأمین حداقل قابل قبول نیازهای اساسی مردم

ج: کاهش تفاوت‌های بین درآمد و ثروت به حداقل ممکن، و متناسب با توسعه سالم اقتصادی - اجتماعی

د: تعادل نسبی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بین مناطق و استانهای کشور

تأمین نیازهای انسان در جریان رشد و تکامل

نیازهای انسان در جریان رشد و تکامل، آنچنان که در قانون اساسی آمده است، مشتمل بر دو گروه نیازهای فردی و نیازهای اجتماعی است.

الف: نیازهای فردی شامل:

خوراک، پوشاک، مسکن، بهداشت و درمان، آموزش و پرورش، تشکیل خانواده، شغل، مالیکت مشروع، حق دادخواهی قانونی و فرصت برای خودسازی معنوی، سیاسی، اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار

ب: نیازهای اجتماعی شامل:

فرهنگ متعالی، تأمین اجتماعی، امنیت قضایی، توان دفاعی، فناوری پیشرفته و محیط زیست سالم

رشد مستمر تولید در تمامی شرایط ، از ضروریات توسعه است. چنین رشدی باید دارای ویژگی‌های ذیل باشد:

الف: اقتصادی مولد ، بر اساس دانش پایه و رقابتی

ب: استفاده از سیاستهای مناسب و فناوری اطلاعاتی **IT** و مشارکت فعال نیروی کار جامعه در ایجاد رشد

ج: فراهم کردن موجبات ارتقای سرمایه اجتماعی و انسانی کشور ، در جریان رشد و بهبود توان توسعه فناوری

د: توسعه و ساماندهی نهادهای اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی ، به منظور تحقق رشد مستمر، با توجه به تحولات جهانی

ه: استفاده حداکثر از امکانات بین‌المللی و سازمانهای مربوطه و بازارهای جهانی در مسیر رشد اقتصادی

۲- مراحل رشد در راستای جامعه آرمانی در افق چشم‌انداز

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ، در اصل چهل و سوم ، به «رعایت ضرورت‌های حاکم بر برنامه‌ریزی عمومی اقتصاد کشور ، در هر یک از مراحل رشد» اشاره نموده است.

مراحل رشد را می‌توان از دیدگاه تاریخی ، مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. در این دیدگاه ، دوره‌های طولانی تاریخی ، هر یک دارای خصایصی معین هستند و مثلاً با استفاده از معیار فناوری در دسترس جامعه، می‌توان مراحل مختلف رشد را معین نمود:

دوران قبل از ماشین بخار، دوران انقلاب صنعتی اول (ماشین بخار تا استفاده از انرژی اتمی)، دوران اتم، دوران میکروپروسورها و ... از طرف دیگر بر اساس تولید غالب جامعه ، می‌توان از دورانهای تاریخی کشاورزی (موج اول)، صنعت (موج دوم) و انفورماتیک (موج سوم) سخن گفت، و یا بر اساس تلفیق معیارهای تولید و فناوری ، می‌توان از دوران پیش از خیز، دوران خیز اقتصادی، دوران حرکت به سوی بلوغ و عصر مصرف انبوه یاد کرد.

این دیدگاهها فقط تا آنجا مفید فایده است که دوران تاریخ فعلی جامعه بشری و در درون آن ، وضعیت هر یک از جوامع را روشن سازد، هر چند در این زمینه، حصول اتفاق نظر مشکل است، ولی به هر حال ، هیچ جامعه‌ای به طور منفرد و جدای از تحول کلی جامعه بشری قابل بررسی نیست.

جهان امروز جهانی است که در آن:

- انسان به مرزهای بسیار بالای علوم و فناوری دست یافته است.

- مبانی علوم و فناوری در انحصار کشورهای خاصی است.

- بدون دسترسی مستمر به علوم و فناوری پیشرفته ، امکان سازندگی با دوام و شکوفایی اقتصادی و اجتماعی ، بعید به نظر می‌رسد.

- وابستگی‌های جهانی نه تنها اجتناب‌ناپذیر است، بلکه برای رشد و تعالی اقتصادی، یک اصل است.

- کشورهای کم‌تر توسعه یافته امروز، می‌توانند با اتخاذ استراتژیها و برنامه‌ریزی‌های مناسب و صحیح، متکی بر استفاده از امکانات خویش و دست‌اوردهای انسانی عصر حاضر، فقر و محرومیت را از جوامع خود، ریشه‌کن سازند، بدون آن‌که استقلال خود را فدا نمایند.

ایران امروز، جامعه‌ای است که در آن:

- فناوری در دسترس جامعه علمی‌رغم پیشرفتهای محسوس آن، در سطحی پایین قرار دارد.

- وجود منابع غنی نفت و گاز، امکان مالی دسترسی به دستاوردهای پیشرفته جهان امروز را برای جامعه فراهم آورده است.

- استقلال سیاسی حاصل آمده و می‌تواند، پایه تنظیم و اجرای برنامه‌های مناسب توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور قرار گیرد.

- حداقلی از نیروی انسانی متخصص، جهت اجرای برنامه‌های توسعه و گسترش توان علمی و فناوری در جامعه وجود دارد.

به نظر می‌رسد که مراحل رشد مورد اشاره در قانون اساسی، در مقایسه با دورانهای تاریخی تحول جوامع، مراحل کوتاه‌مدت‌تر از دورانهای مورد بحث است، با هدف کلی ترسیم فرازهای حرکت از وضعیت فعلی، به وضعیت آرمانی در بطن نظام جهانی کنونی.

ویژگی‌های جامعه آرمانی و اصول و ارزش‌های متعالی حاکم بر فرآیند توسعه و توسعه اقتصادی - اجتماعی کشور (قانون اساسی، سیاست‌های کلی نظام)^۱

- کرامت و توسعه انسانی

- اقتصاد و امنیت ملی

- نیازهای اساسی جمعیت

- عدالت اجتماعی

- ارتقای توانمندی‌های علوم، تحقیقات و فناوری

- حفظ محیط زیست و توسعه پایدار

۱. صفحات: ۵۷۱ (انتهای صفحه) تا ۵۷۲ (ابتدای صفحه)

سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق سال ۱۴۰۴ ه.ش. (ابلاغیه مقام معظم رهبری)^۱

بخشنامه سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، موضوع ابلاغ سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه

اکنون که همت مجموعه کارشناسی دولت، در تدوین اولیه سند چشم‌انداز، و سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه جمهوری اسلامی ایران، پس از تأیید در هیئت محترم دولت، و پس از بررسی همه جانبه در مجمع تشخیص مصلحت نظام، مورد تصویب مقام معظم رهبری قرار گرفته و ابلاغ فرموده‌اند، این اسناد جهت اطلاع و اقدام آن دستگاه ابلاغ می‌گردد.

لازم است جهت‌گیریهای مندرج در سند چشم‌انداز، و سیاست‌های کلی نظام در تدوین کلیه لوایح برنامه‌ای، بودجه‌ای و عملیات اجرایی آن دستگاه مورد عمل قرار گیرد.

رجاء واثق دارد استفاده از ثمره این تلاشها و تکیه بر وفاق همگانی در مراحل تصمیم‌سازی، سیاست‌گذاری و اجرای برنامه‌های مربوط به سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی نظام در سطوح ملی، استانی، بخشی، دستگاهی و ... انشاءالله، موجبات پیوند دولت و مردم را فراهم، و شرایط لازم را برای تحقق اهداف مورد نظر در چشم‌انداز، بیش از پیش فراهم خواهد ساخت.

خداوند، عزت و رحمت خود را برای مردمانی که در کمال اخوت و برادری و عزم، کمر همت به تمشیت زندگی و امور حیات خود در مسیر رضایت حق بسته‌اند، نازل نموده و خواهد نمود.

انشاءالله سربلندی و عزت مردم ایران اسلامی، قرین کارنامه همه ما خواهد بود.

چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی، ابلاغیه مقام معظم رهبری

با اتکال به قدرت لایزال الهی و در پرتو ایمان و عزم ملی و کوشش برنامه‌ریزی شده و مدبرانه‌ی جمعی و در مسیر تحقق آرمانها و اصول قانون اساسی، در چشم‌انداز بیست ساله:

ایران کشوری است توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و م و ثر در روابط بین الملل.

جامعه ایرانی در افق این چشم‌انداز چنین ویژگی‌هایی خواهد داشت:

- توسعه یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود و متکی بر اصول اخلاقی و ارزشهای اسلامی، ملی و انقلابی، با تأکید بر مردم‌سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادیهای مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسانها و بهره‌مند از امنیت اجتماعی و قضایی

- برخوردار از دانش پیشرفته، توانا و تولید علم و فناوری، متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی

- امن، مستقل، مقتدر با سامان دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه جانبه و پیوستگی مردم و حکومت

- برخوردار از سلامت، رفاه و امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصتهای برابر، توزیع مناسب نهاد مستحکم خانواده، به دور از فقر، فساد، تبعیض و بهره‌مند از محیط زیست مطلوب

- فعال، مسئولیت‌پذیر، ایثارگر، مؤمن، رضایت‌مند، برخوردار از وجدان کاری، انضباط، روحیه‌ی تعاون و سازگاری اجتماعی، متعهد به انقلاب و نظام اسلامی و شکوفایی ایران و مفتخر به ایرانی بودن

- دست یافته به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه‌ی آسیای جنوب غربی (شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه)، با تأکید بر جنبش نرم‌افزاری و تولید علم، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، ارتقای نسبی سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل

- الهام‌بخش، فعال و مؤثر در جهان اسلام، با تحکیم الگوی مردم سالاری دینی، توسعه‌ی کارآمد، جامعه اخلاقی، نواندیشی و پویایی فکری و اجتماعی، تأثیرگذار بر همگرایی اسلامی و منطقه‌ای براساس تعالیم اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی (ره)

- دارای تعامل سازنده و مؤثر با جهان بر اساس اصول عزت، حکمت و مصلحت

ملاحظه:

در تهیه، تدوین و تصویب برنامه‌های توسعه و بودجه‌های سالیانه، این نکته مورد توجه قرار گیرد که: شاخصهای کمی کلان آنها، از قبیل: نرخ سرمایه‌گذاری، درآمد سرانه، تولید ناخالص ملی، نرخ اشتغال و تورم، کاهش فاصله درآمد میان دهکهای بالا و پایین جامعه، رشد فرهنگ و آموزش و پژوهش و توانایی‌های دفاعی و امنیتی، باید متناسب با سیاستهای توسعه و اهداف و الزامات چشم‌انداز، تنظیم و تعیین گردد و این سیاستها و هدفها به صورت کامل مراعات شود.

نامه مقام معظم رهبری، موضوع ابلاغ سیاستهای کلی برنامه چهارم توسعه

جناب آقای خاتمی ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

با سلام و تحیت

در پی ابلاغ سند چشم‌انداز بیست ساله، که به حول و قوه الهی و توجه‌های حضرت بقیه‌الله ارواحنا فدا، خواهد توانست مسیر توسعه و سازندگی کشور را در جهت هدفهای والای جمهوری اسلامی، نمایان و مشخص سازد، اینک سیاستهای کلی برنامه چهارم، که نخستین برنامه دوران بیست ساله است، برابر اصل ۱۱۰ قانون اساسی ابلاغ می‌گردد.

انتظار می‌رود چارچوب این سیاستها و نقاط مورد تکیه در آن، بتواند به تدوین برنامه‌ای جامع و عملیاتی برای دوره پنج‌ساله بیانجامد. بی‌گمان، اهتمام و دقت نظر جنابعالی و هیئت محترم دولت، و از آن پس مجلس شورای اسلامی، می‌توانند در این باره نقش تعیین‌کننده خود را ایفا کنند.

تأکید بر این معنا، به این علت ضرورت می‌یابد که، برخی از سیاستهای کلی مصرح در برنامه سوم، از توجه کافی در تقنین و اجرا برخوردار نگشت. مجمع محترم تشخیص مصلحت، و نیز خود دستگاه‌های تقنینی و اجرایی می‌توانند، این کمبود را به نحو شایسته‌ای در این برنامه برطرف کنند.

لازم می‌دانم از مجمع محترم تشخیص مصلحت، و هیئت محترم دولت و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و دبیرخانه مجمع و نیز کارشناسان فعال و همکار با این مجموعه‌ها که در تنظیم سیاستهای کلی برنامه چهارم نقش آفرینی کردند، صمیمانه سپاسگزاری کنم.

نسخه حاوی مجموعه سیاستها، همزمان برای مجلس شورای اسلامی و مجمع تشخیص مصلحت ارسال می‌شود.

سید علی خامنه‌ای

انتخاب مفاهیم نظری، پندارها و دیدگاه‌های مثبت در فرآیند توسعه (نقد ادبیات انقلاب از پایگاه ادبیات توسعه)^۱

اقتصاد ایران طی ۲۳ سال گذشته، به رغم افت و خیزها و نوسانات تولید و تجارت، نتوانسته است به یک جریان رشد پیوسته و پایدار دست یابد. در این سالها، در قبال رشد متوسط جمعیت در حد دو و هفت دهم درصد (۲/۷٪) در سال، میانگین رشد تولید ناخالص داخلی برابر تقریباً یک و نیم درصد (۱/۵٪) در سال بوده است.

نتیجه این فرایند، کاهش درآمد سرانه به میزان یک و دو دهم درصد (۱/۲٪) در سال، و طبعاً کاهش رفاه عمومی، و تنزل سطح زندگی مردم و از همه مهم‌تر، پایین آمدن موقعیت منطقه‌ای و بین‌المللی کشور در مقایسه با کشورهای هم‌تراز در حال توسعه، و از جمله برخی از همسایگان ایران بوده است.

پرسش آن است که به رغم همه امکانات طبیعی و مادی، ذخایر معدنی، نیروی انسانی جوان و کادریهای تحصیلکرده و متخصص، موقعیت جغرافیایی ممتاز، تنوع آب و هوا و اقلیم و ... چرا ایران نتوانسته است در این دوره نسبتاً بلندمدت، به یک تحول صنعتی و اقتصادی متناسب با سطح شایستگی‌ها و مزیت‌های ملی خود دست یابد و از فرصتهایی که به ویژه در دهه آخر قرن بیستم، و در شرایط کنونی در مقیاس منطقه‌ای و بین‌المللی پیش آمده است، استفاده نماید و از یک کشور متکی بر پایه منابع طبیعی، و تولید و تجارت کالاهای نخستین با ساختار نیمه صنعتی، به کشوری پیشرو با گستره متنوع‌تری از فعالیتهای تولیدی - صنعتی - تجاری متحول شود؟ شایان ذکر است که در همین دو دهه مورد بحث، کشورهایمانند مالزی، کره جنوبی، چین و ترکیه در آسیا و کشورهای نظیر برزیل، شیلی، آرژانتین، مکزیک و ... در قاره آمریکا (با پایه وسیع جمعیتی) توانسته‌اند با اتخاذ استراتژیها و راهبردهای توسعه مناسب از وضعیتی تقریباً مشابه ایران و عموماً سطوح درآمد سرانه پایین‌تر، به ارقام بالایی از رشد اقتصادی دست یابند، و به تدریج به جرگه کشورهای توسعه یافته صنعتی بپیوندند.

در پاسخ به پرسش یاد شده طبعاً می‌توان به رخدادهایی که طی همین دو دهه در ایران به وقوع پیوسته است، چون شرایط ناشی از چالشهای انقلاب، دگرگونی‌های سیاسی - مدیریتی، جنگ تحمیلی طولانی و تخریبها و ویرانی‌های ناشی از آن، افت و خیزهای درآمد نفت به منزله عامل مسلط در اقتصاد ایران، تحریم خارجی و حصر اقتصادی و ... اشاره کرد. لیکن در کنار همه این پدیده‌ها، در ارزیابی علل عملکرد محدود اقتصاد کشور، به هیچ روی نباید از تأثیرگذاری سه عامل عمده و اساسی زیر غفلت کرد:

۱- چیرگی باورها، دیدگاهها و تفکرات مغایر با پیشرفت و قانونمندی‌های توسعه

۲- فقدان طرح راهبردی و خطوط راهنمای فراگیر و همه جانبه توسعه اقتصادی - صنعتی

۳- عملکردهای اجرایی و اتخاذ سیاستها و رویکردهای متغیر و متناقض، شیوه‌های تصمیم‌گیری مقطعی و موضعی و موردی، گزینش رهیافتهای بخشی به جای کلان‌نگری برای حل و فصل مسائل و تنگناهای توسعه، عدم حاکمیت تفکر علمی در مدیریت اقتصادی، اتخاذ روشهای آزمایش و خطا در اقدامات و سیاست‌گذاری‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت، بدون توجه به نتایج، آثار و هزینه‌های اجتماعی آن و ...

در میان این مباحث، عامل نگرشها و دیدگاههای حاکم بر فرایند توسعه در اتخاذ سیاستها، عملکردها، روندها و گرایشهایی که در اقتصاد ایران شکل گرفته است، نقشی غالب و تعیین کننده داشته است. در غیاب یک برنامه راهبردی بلندمدت برای رشد و توسعه اقتصادی - صنعتی، آنچه که بر رفتارها و عملکردهای مدیریت اقتصادی کشور غلبه داشته است، تفکرات، دیدگاهها و انتظاراتی بوده است که در اکثر موارد بر اساس تجربه‌های توسعه اقتصادی جهان، بعد از انقلاب صنعتی تاکنون، ناممکن و یا ناموفق بوده و به رشد و پیشرفت‌پذیری منجر نشده، و به دلیل استوار نبودن بر منطق علمی و اقتصادی، در عمل به نتایج معکوس با هدفهای اعلام شده انجامیده است. از جمله این دیدگاهها و الگوهای مطرح شده در دو دهه اخیر در زمینه اداره امور اقتصادی ایران، می‌توان به احکام و شبه‌نظریه‌های زیر اشاره کرد:

- محوریت بخش کشاورزی در توسعه اقتصادی کشور و غفلت از گسترش و تعمیق فرایند صنعتی شدن

- ترغیب روستائینی و تکیه بر تثبیت جمعیت روستایی، بدون ملاحظه تحولات تکنولوژیک

- پذیرش فرضیه «کوچک زیباست»، همراه نگرش منفی نسبت به واحدهای بزرگ و مجتمعهای صنعتی - تجاری، بدون ملاحظه ضرورت پیوند ارگانیک بین خوشه‌ها و گروههای صنعتی کوچک و متوسط با واحدهای صنعتی بزرگ، به منزله هسته‌های اصلی تقاضا کننده

- نگرش منفی نسبت به توسعه بخش خصوصی و سرمایه‌گذاری صنعتی

- قرینه پنداشتن مفاهیم اقتدار دولت و حاکمیت آن به اندازه و بزرگی دولت

- تفکر ناظر بر گسترش تصدی‌گریهای دولت، به منزله شرط لازم برای حل و فصل مشکلات اقتصادی کشور و تأمین نیازهای اساسی مردم

- برتری دادن به امر توزیع درآمد و عدالت اجتماعی، بدون تکیه بر افزایش تولید، رشد اقتصادی، ارتقای کارایی و بهره‌وری، به منزله عامل اصلی بالا بردن سطح زندگی و تأمین رفاه و عدالت اجتماعی

- غلبه باورهای درونگر متکی به اقتصاد بسته، و خودکفایی در حوزه‌های مهمی چون کشاورزی، صنعت، علوم و تکنولوژی در شرایط ناگزیر ادغام غیر متقارن اقتصاد ایران با اقتصاد جهانی، از طریق نفت

- تلقی بازار به منزله ایدئولوژی اقتصادی، و نه ابزاری برای تخصیص منابع و توسعه و پیشرفت

- باور به گسترش کنترل و دخالت‌های دولت در حوزه‌های اقتصادی چون سهمیه‌بندی، قیمت‌گذاری، مقررات ناظر بر عملکرد بازار کار، اعتبارات کنترل شده بانکی و ... بدون توجه به اثرات آن در ایجاد اختلال و اعوجاج در بازارها و عملکردهای اقتصادی

نتیجه این گونه باورها و دیدگاهها، همراه با پرداختن مستمر به عارضه‌ها و معلولها، به جای علت‌یابی

مشکلات و تنگناها و یافتن راه‌حلهای در چارچوب تفکری جامع و فراگیر و بی‌اعتنایی به تخصص، تجربه و شایستگی‌های علمی افراد در حوزه‌های مشخص مدیریتی، به ویژه در امور اقتصادی و نیز مدیریت اقتصادی با نگرشهای غالب و مرسوم تجاری، و از همه مهم‌تر عدم توجه به اهمیت و نقش سرمایه‌گذاری، به منزله مهم‌ترین عامل رشد اقتصادی، ایجاد اشتغال و رفع بیکاری، سبب شده است که اقتصاد ایران نتواند مسیر اصلاحات ضروری و پیش‌بینی شده در برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی کشور را پیگیری کرده و به نتیجه برساند، و زمینه‌ها و فضای لازم برای قرار گرفتن در کاروان کشورهای نوظهور و پیشرو صنعتی و دستیابی به آرمانها و هدفهای یک جامعه متمدن و مرفه را فراهم آورد.

حرکت جامعه جهانی، اکنون به گونه‌ای است که از نظر دیدمانهای توسعه و مدلها، راهبردها و سیاستهای اقتصادی، نوعی هماهنگی و همگرایی با قوت در حال شکل‌گیری است، که فرصت زیادی برای طرح و انتخاب مدل‌های گوناگون نظیر مدل‌های روسی، چینی، کوبایی، ویتنامی، هندی، الجزایری و ... آزمایش راه اول، دوم، سوم و ... باقی نمی‌گذارد. اکنون نیروهای پیش‌برنده جهانی شدن و عمده تحولات فناوری در حوزه اطلاعات و ارتباطات از یک سو، و آزادسازی رژیمهای تجاری، سرمایه‌گذاری و مالی در اغلب کشورهای جهان از سوی دیگر، مدل و قانونمندی‌های واحدی را بر فرایند توسعه ملی کشورها حاکم کرده، و حاکمیت‌های ملی را مجبور ساخته که به گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر از لحاظ اصولی و راهبردی، با وجود اختلاف در جزئیات سیاست‌گذاری داخلی و توجه به ضرورت ملی و مراحل رشد، از انگاره‌های واحدی پیروی و تبعیت کرده یا در آینده نه چندان دور چنین کنند.

موازن کلی چشم‌انداز^۱

تلاش برای دست یافتن به آینده‌ای بهتر، و طراحی و تبیین ویژگیها، و ترسیم موقعیت جامعه‌ای که نسل‌های امروز و آینده، بتوانند آگاهانه و با اتکای به نفس، در مسیر تحقّق آن گام بردارند، نه تنها لازمه پویایی و امید مردم این سرزمین است، بلکه برآمده از اصول و آرمانهایی است که در اندیشه و فرهنگ اسلامی و انقلابی جای دارد و رویکرد و رفتار دولت و دستگاه اجرایی کشور را در چارچوب آن، هدفدار و معنادار می‌کند.

توانایی‌ها و ظرفیتهای جمهوری اسلامی ایران، و شایستگی‌های ملت شریف ایران، برای نیل به این مهم بسیار است. چنان که دشواریهای تحقق جامعه‌ای آرمانی نیز، از نظرهای کارشناسانه دور نیست. اکنون باید گفت، به رغم آن که تلاشهای ملی با تهدیدها و موانع خارجی و کاستی‌ها و ناسازگاریهای محیطی بسیاری روبه‌رو بوده است، اما با اتکا به موقعیت، اعتبار و امکانات جدیدی که کشور ما در شرایط متحول و غیر قابل پیش‌بینی جهان کنونی دارد، اهتمام به این ضرورت در آستانه برنامه چهارم توسعه کشور، اولویت یافته است. اکنون اندیشیدن و گام برداشتن، طبق برنامه در مسیر تحقق جامعه‌ای نمونه و توسعه یافته، برای کشور یک فریضه و الزام اساسی به حساب می‌آید.

برای تحقق این اندیشه و الزام، می‌بایست کشور راهنمای عمل داشته باشد، این راهنمای عمل به زبان برنامه، سند چشم‌انداز بلندمدت کشور است.

«چشم‌انداز»، مبتنی بر ارزش‌دوریهای است که به وضعیت مطلوب اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی جامعه در عین توجه به واقعیتهای آن اشاره دارد. پذیرش چنین «چشم‌انداز واحد ملی» نخستین گام در توفیق برنامه‌ریزی است.

این چشم‌انداز، تصویری از آینده مطلوب را ترسیم می‌کند، که هر گاه در ذهن آحاد جامعه، جای بگیرد، مسیر

تحولات و دگرگونی‌های جامعه را هموارتر می‌کند. در چارچوب چشم‌انداز مطلوب است که برنامه‌ریزی‌ها و حرکت‌های فردی و اجتماعی به سوی آینده آرمانی، جهت‌گیری پیدا می‌کند.

لازمه یک نگاه فعال و آینده‌ساز، حرکت بر پایه مدیریت چشم‌انداز است، که بر شناخت وضع موجود و عوامل آن، تحلیل محیط ملی و بین‌المللی، و سرانجام ترسیم چشم‌انداز مطلوب متکی است.

اگر چه «چشم‌انداز»، هر اندازه که از وضع حاضر دور باشد، از کم و کیف تحولی همه‌جانبه‌تر و ساختاری‌تر در همه ابعاد برخوردار می‌شود، و تمامی متغیرهای توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور را در بر می‌گیرد، اما در هر حال، ناگزیر باید از وضع موجود آغاز کند، و با اتکای بر نقاط قوت، امتیازات و امکانات کشور، با اتخاذ سیاست‌های مناسب، بر نقاط ضعف و تهدیدها غلبه نماید.

بررسی وضع موجود اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران، دارای این ویژگی‌های برجسته است:

- برخورداری از تمدن و فرهنگی غنی، با وحدت جوامع و اقوام گوناگون، یکپارچگی سرزمین و پیشینه تاریخی طولانی، که سهم شایان توجهی در تعمیق و گسترش میراث فرهنگی، علمی و فکری بشر داشته است.

- داشتن موقعیت استثنایی و برتر جغرافیایی و ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک

- برخورداری از میراث با ارزش تاریخی، فرهنگی و طبیعی

- برخورداری از سرمایه‌های انسانی، اجتماعی، پژوهشی و فناوری گسترده

- برخورداری از خلاقیت و استعداد ویژه انسانی، از جمله جمعیت جوان، دانش‌آموخته، هوشمند و نیروی ممتاز متخصص در داخل و خارج کشور

- برخورداری از استقلال سیاسی و تجربه انقلاب اسلامی

- بهره‌مندی از تنوع اقلیمی، وسعت سرزمین و گونه‌های مختلف گیاهی و جانوری و منابع کشاورزی با تنوع محصولات و منابع ژنتیکی

- برخورداری از ذخایر غنی هیدروکربورها (نفت و گاز) و کانیهای فلزی و غیر فلزی و منابع طبیعی گسترده و تعیین‌کننده در رشد کشور

- برخورداری از زیربناهای گسترده کالبدی و غیر کالبدی، از جمله زیربناهای فیزیکی (شبکه‌های حمل و نقل) و ساختارهای اجتماعی، حقوقی، قانونی و تشکیلاتی

- برخورداری از تجربه نیم قرن فعالیت صنعتی، و انباشت سرمایه فیزیکی ارزشمند

- برخورداری از توانایی نوین علمی، پژوهشی و آموزشی

- برخورداری از نیم قرن تجربه برنامه‌ریزی توسعه در کشور

به رغم بهره‌مندی از ظرفیتهای یاد شده، کشور با مشکلات و تنگنانهایی روبه‌رو است که اهم آنها به شرح زیر است:

- مهاجرت متداوم بخشی از نیروهای متخصص، و کاسته شدن از توانایی‌های علمی کشور

- وجود نزدیک به ۲/۵ میلیون نفر بیکار، و ساختار نامتعادل بازار کار

- خشکی سرزمین و محدودیت منابع آب

- وابستگی شدید بودجه دولت به منابع حاصل از صادرات نفت

- توزیع نامتعادل جمعیت، تمرکز و ساختار قطبی جمعیت

- عدم تعادل بین جوامع شهری و روستایی

- ناهنجاری در بخشی از مناسبات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی

- ساختار اقتصاد سنتی، تجاری و متکی به منابع طبیعی و غیر کارآمد

- نازل بودن نسبت سرمایه‌گذاری به تولید، و اتکا به بازارهای داخلی

- اقتصاد درونگرا، ساختار انعطاف‌ناپذیر بازارها، بی‌توجهی و عدم بهره‌گیری از مزیت‌های موجود

از دیدگاه جایگاه اقتصاد کشور در منطقه و جهان، بررسی‌های به عمل آمده نشان می‌دهد، طی دو دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، شماری از کشورهای در حال توسعه، که در پایان دهه ۱۹۷۰ دارای وضعیت اقتصادی مشابه و در مواردی نازل‌تر از ایران بوده‌اند توانسته‌اند، با اتخاذ رویکردهای منطقی و راهبردهای مناسب، از طریق رشد تولید ناخالص داخلی و صنعتی شدن، به تدریج خود را از جرگه این کشورها خارج، و به گروه کشورهای پیشرفته صنعتی نزدیک‌تر سازند. چنان که امروز کشورهایی نظیر چین، کره جنوبی، مالزی، اندونزی، مکزیک، تایلند، تایوان و حتی ترکیه، به رغم بحرانهای مقطعی و گذرا، که پاره‌ای از آنها در ذات پیشرفت اقتصادی، اجتماعی و عدم تعادل‌های ناشی از آن نهفته است، و پاره‌ای دیگر نیز از تجربه‌های جدید و عدم آمادگی در مقابل پدیده جهانی شدن، سرچشمه گرفته است، موفق شده‌اند به ارقام درآمد سرانه، تولید و تجارت فزاینده و رو به رشد دست یابند و بسیاری از مشکلات و تنگنایی‌ها را که ایران اکنون با آن دست به گریبان است، پشت سر گذارند.

مقایسه ارقام مربوط به عملکرد صادرات ایران با برخی از کشورهای نوظاسته صنعتی، به منزله نشانه‌ای از قدرت نفوذ در بازارهای جهانی، رقابت‌پذیری و نهایتاً توانمندی‌های اقتصادی، صنعتی حکایت از عقب افتادن ایران و فاصله گرفتن چشمگیر از کاروان کشورهای پیشرو و بالنده دارد. اطلاعات موجود بیانگر آن است که اگر چه مجموع صادرات نفتی و غیر نفتی ایران طی دو دهه ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۰، دو برابر شده است و صادرات غیر نفتی از ۶۴۵ میلیون دلار در سال ۱۳۵۹ (۱۹۸۰)، به ۴۱۱۹ میلیون دلار در سال ۱۳۷۹ (۲۰۰۰) افزایش یافته است، اما قدر مطلق آن در مقایسه با رشد صادرات در کشورهای تازه‌صنعتی بسیار ناچیز بوده و تناسبی با امکانات و توانایی‌های بالقوه ایران نداشته است. در تمام این سالها درآمد حاصل از فروش نفت خام بین هشتاد و پنج تا نود و هفت درصد (۸۵٪ تا ۹۷٪) کل صادرات ایران را تشکیل می‌داده و صادرات کالاهای صنعتی در بهترین سالها، از جمله سال ۲۰۰۰، از هفت تا هشت درصد (۷٪ تا ۸٪) مجموع صادرات کشور فراتر نمی‌رفته است.

در این دو دهه، کشورهای نوظاسته صنعتی موفق شده‌اند با انجام سرمایه‌گذاری‌های گسترده و با تغییر ساختار اقتصادی - تولیدی خود، به ارقام بسیار چشمگیر صادراتی نایل آیند، که بین هشتاد تا نود و پنج درصد (۸۰٪ تا ۹۵٪) آن را صادرات کالاهای ساخته شده صنعتی تشکیل می‌دهد. روشن است که در سال ۲۰۰۰ میلادی و در

عرصه رقابتهای تجاری در سطح بین‌المللی، دستیابی به تولید و صادرات انبوه، در حد ارقام بالای ۲۴۹/۳ میلیارد دلار برای چین، ۱۷۲/۲ میلیارد دلار برای کره جنوبی، ۱۶۶/۴ میلیارد دلار برای مکزیک و ...، حتی رقم ۲۶۷/۶ میلیارد دلار برای ترکیه، بدون نفوذ و پیوند با بازار جهانی و تولید با استانداردهای بین‌المللی مورد پذیرش آن، به هیچ ترتیب دیگری امکانپذیر نبوده و تنها از طریق مشارکت با بنگاههای خارجی و جلب و جذب سرمایه‌گذاری‌ها و همکاری‌های آنان ممکن شده است. ارقام مربوط به موجودی سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی در کشورهای یاد شده، و مقایسه آن با وضعیت ایران، این نکته را با وضوح بیشتری آشکار می‌سازد. در حالی که در فاصله این دو دهه موجودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران حدود بیست درصد (۲۰٪) کاهش داشته، و از ۲۶۰۹ میلیون دلار در سال ۱۹۸۰، به ۲۱۱۵ میلیون دلار در سال ۲۰۰۰ میلادی پایین آمده است، دیگر کشورهای موفق در زمینه صادرات، توانسته‌اند حجم انبوهی از این سرمایه‌گذاری را به صورت ساختمان، ماشین‌آلات و تجهیزات تولیدی در کشور خود مستقر، و اهرم مدیریتی نیرومندی را در توسعه اقتصادی - تجاری خویش به کار گیرند.

حاصل این فرایند را می‌توان در رشد بهره‌وری نیروی انسانی، یا تولید سرانه شاغلان در مجموع فعالیتهای اقتصادی، مورد ارزیابی دقیق‌تر قرار داد. مقایسه وضعیت ایران با کشورهای منتخب نوصنعتی، افت این شاخص را طی دو دهه در ایران، در برابر صعود فوق‌العاده آن در کشورهای یاد شده، نشان می‌دهد. میزان بهره‌وری نیروی کار در ایران با بیست و نه درصد (۲۹٪) کاهش از ۹۳۱۰ دلار در سال ۱۹۸۰، به ۶۶۴۹ دلار در سال ۱۹۹۹، رسیده، در حالی که همین شاخص در مالزی و تایلند به ۲ برابر، در هنگ‌کنگ به ۳/۵ برابر و در کره جنوبی به ۴ برابر، افزایش یافته است.

مفهوم این ارقام، صرف نظر از رشد تولید سرانه نیروی کار، نشانه‌ای از تعمیق جریان صنعتی شدن، دستیابی به فناوری‌های برتر و ورود به بازار رقابتی در اختیار کشورهای پیشرفته صنعتی، از طریق درهم‌آمیزی با سرمایه و مدیریت بنگاهی خارجی است. نفوذ در این بازار و جلب مشارکت شرکتهای بین‌المللی تولید کننده کالاهای صنعتی، که بخش اعظم تجارت کالای جهانی را در بخشهای مختلف در کنترل خود دارند، کار آسانی نیست، بلکه نیازمند وجود شرایط و فضای مناسبی در اقتصاد داخلی است که با معیارهایی چون امنیت سرمایه و سرمایه‌گذاری، انگیزه‌های مثبت ناشی از مزایای نسبی و رقابتی، امکانات سودآوری تولید و تجارت در شرایط ثبات وضعیت اقتصادی (از جمله پایین بودن نرخ تورم و ...) قابل تبیین و ارزیابی است.

در زمینه قابلیت شکوفایی امکانات بالقوه صنعتی - تجاری کشور، کافی است اشاره شود که ایران در مرکز جغرافیایی انرژی و تجارت منطقه وسیعی قرار دارد که از طریق مرزهای آبی و خاکی با ۱۸ کشور، و با جمعیتی بالغ بر نیم میلیارد نفر، به منزله یکی از وسیع‌ترین بازارهای جهان در ارتباط مستقیم است و بنابر این از دیدگاه شکل‌گیری یک شبکه بزرگ تولید و تجارت مواد و کالاهای واسطه‌ای و قطعات و کارافزارهای صنعتی و نیز ارائه‌ی خدمات و پشتیبانی‌های لژیستیک - صنعتی در حوزه‌های اطراف خود، و دسترسی به بازار وسیع منطقه، از جمله کشورهای ثروتمند خلیج فارس، دارای استعداد و امتیاز توسعه‌ای فوق‌العاده است. طبعاً این موقعیت، امکانات گسترده‌ای را از لحاظ ایجاد و توسعه صنایع، به‌ویژه صنایع متوسط و خوشه‌های صنعتی، در پیوند با شبکه‌های ارزش جهانی برای کشور فراهم می‌سازد.

عدم استفاده از این موقعیت ممتاز از سوی ایران، تاکنون باعث شده است که کشورها و حوزه‌های جانشینی در شمال و جنوب با عهده‌دار شدن نقش رابط در یک پایگاه تجاری به درآمدهای چشمگیر دست یابند، درآمدهایی که، به سهولت می‌توانست نصیب ایران، صنعتگران، تجار و کارگزاران ایرانی گردد. برای آینده باید از اکنون اقدام کرد. راهبرد توسعه اقتصادی - صنعتی ایران باید تولید برای بازار جهانی را، در پیوند بین‌نگاهی با تمام الزامات و پیش‌نیازهای آن مد نظر قرار دهد. مزیتها و امکانات ملی و منطقه‌ای پنهان و آشکار به طور خودکار،

وظیفه بهترین انتخاب را در اختیار بنگاهها و اقتصاد کشور قرار خواهند داد.

بررسی وضعیت موجود اقتصادی و اجتماعی کشور از یک سو، و جایگاه اقتصادی کشور در جهان و منطقه از سوی دیگر، نشان می‌دهد که اقتصاد و جامعه ایران در سالهای پیش رو با دو چالش عمده روبه‌رو خواهد بود. از یک سو، فرایند رشد اقتصادی ایران باید به گونه‌ای سازمان یابد که بتواند به ابعاد گسترده و الزامات کمی و کیفی ایجاد اشتغال در سالهای آینده، از جمله رشد جمعیت، افزایش آهنگ مشارکت زنان در بازار کار و در نتیجه افزایش عرضه نیروی کار و همچنین افزایش بیکاری ناشی از رشد بهره‌وری نیروی کار، در یک اقتصاد در حال گذار پاسخگو باشد، و از سوی دیگر سرعت رشد باید متناسب با ظرفیتهای بالفعل و بالقوه در حدی باشد که، موجبات احیا و ارتقای موقعیت و جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی کشور و تحقق هدف تبدیل ایران، به قدرت اقتصادی برتر منطقه را فراهم سازد.

سند چشم‌انداز^۱

۱- ویژگی‌های جامعه مطلوب در چشم‌انداز توسعه ایران

با توجه به فراهم بودن زیرساختهای لازم برای مرحله جهش اولیه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، هدفها و ویژگی‌های جامعه مطلوب در افق چشم‌انداز توسعه بلندمدت جمهوری اسلامی ایران (سال ۱۴۰۴)، به شرح زیر است:

- جامعه‌ای متکی بر اصول اخلاقی و ارزشهای دینی، ملی، انقلابی و متکی بر مردم‌سالاری دینی، همراه با پاسداری از آزادیهای مشروع و حقوق انسانی و مدنی

- ایرانی امن، مستقل، مقتدر، همراه با تقویت سامان دفاعی، مبتنی بر بازدارندگی مثبت و پیوستگی مردم و حکومت

- کشوری دست یافته به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در مقیاس منطقه‌ای، توسعه یافته همراه با رشد پرشتاب علمی، کاهش نرخ بیکاری و ارتقای سطح و کیفیت زندگی مردم

- جامعه‌ای متعادل از هر نظر، برخوردار از سلامت و بهره‌مند از عدالت اجتماعی، نظام تأمین اجتماعی پویا و کارآمد، فرصتهای برابر، رفع فقر، فساد و تبعیض و استواری نهاد خانواده

- جامعه‌ای فعال، مؤثر، مسئولیت‌پذیر، دین‌باور، رضایتمند و علاقمند به نظام اسلامی، و شکوفایی ایران و مفتخر به ایرانی بودن

- جامعه‌ای برخوردار از روابط گسترش‌یابنده در تعامل با جهان، مبتنی بر منافع ملی و اصول «حکمت، عزت و مصلحت»

- جامعه‌ای سالم و بهره‌مند از محیط زیست مطلوب

۲- سیاستهای کلی نظام در دوره چشم‌انداز

الف: امور فرهنگی

- ۱- تقویت روحیه ایمان و ایثار و عنصر فداکاری به عنوان عامل اصلی اقتدار ملی، تبیین مبانی ارزشی و تقویت اعتماد به نفس ملی
 - ۲- ایجاد جامعه‌ای سالم، اخلاقی، مبتنی بر ارزشهای اسلامی، فرهنگ‌مدار و شهروندانی آگاه، عزت‌مند، و برخوردار از ملاکهای درستکاری و احساس رضایتمندی
 - ۳- رشد و اعتلای فرهنگ و هنر ایران و اسلام به عنوان عناصر هویت ملی
 - ۴- پیشبرد راهبرد گفت و گوی میان تمدنها و فرهنگها در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی
 - ۵- ارتقای نقش و جایگاه زنان در توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور و تقویت نهاد خانواده
 - ۶- نهادسازی در جهت تولید و ترویج علم و تحقیق و افزایش سهم کشور در تولیدات علمی جهان، و گسترش و تعمیق نهضت نرم‌افزاری، و تأکید بر رویکرد خلاقیت و نوآوری
 - ۷- توسعه علوم و فناوری‌های جدید، شامل: فناوری زیستی، ریزفناوری، فناوری فرهنگی، فناوری زیست‌محیطی و فناوری مواد جدید
 - ۸- توسعه ارتباطات و زیرساختهای ارتباطی و فناوری اطلاعات، متناسب با پیشرفتهای جهانی
- ب: امور اجتماعی - سیاسی و دفاعی
- ۹- تضمین حقوق مدنی و انسانی، و دسترسی به فرصتهای برابر برای افراد جامعه، و احترام به نهادینه شدن حقوق معنوی افراد
 - ۱۰- توسعه و تجهیز منابع انسانی آگاه، انعطاف‌پذیر و ماهر با قابلیت‌های مشارکت و فعالیت در فضای نوین رقابتی و نوآوری و در حال تغییر
 - ۱۱- حاکمیت بخشیدن رویکرد و مبانی علمی و فنی، تمرکززدایی، شفاف‌سازی و پاسخگویی بر همه سطوح و فرایندهای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری حوزه‌های حاکمیت کشور
 - ۱۲- بهبود کیفیت زندگی، سلامت، امنیت غذایی، تربیت بدنی، رفع فقر و حمایت از گروههای آسیب‌پذیر و تحقق عدالت اجتماعی
 - ۱۳- بهبود ساختار سیاسی، قضایی و ایجاد محیط حقوقی مناسب برای توسعه کشور
 - ۱۴- تقویت امنیت و اقتدار ملی با تکیه بر رشد اقتصادی، مشارکت سیاسی و تعادل منطقه‌ای
 - ۱۵- ارتقای توان آمادگی دفاعی نیروهای مسلح برای بازدارندگی، ابتکار عمل و مقابله مؤثر در برابر تهدیدها، حفاظت از منافع ملی، انقلاب اسلامی و منابع حیاتی کشور

۱۶- دگرگونی در نظام پرداخت یارانه‌ها و پرداختهای انتقالی دولت و شفاف‌سازی یارانه‌های پنهان در اقتصاد کشور، همراه و همزمان با اجرای سیاستهای جبرانی و تقویت نظامهای جامع تأمین اجتماعی، و حمایت از قشرهای محروم

۱۷- تغییر نقش و اندازه دولت به سطح دولتی سیاست‌گذار، تسهیل‌کننده، کارآفرین و کوچک

۱۸- تأمین حقوق قانونی اقوام و اقلیتها مصرح در قانون اساسی، در چارچوب همگرایی و تقویت وفاق

ملی

۱۹- جهت‌گیری روابط خارجی و اتخاذ دیپلماسی فعال برای گسترش همکاری، و حضور کارآمد در مجموعه‌ها و معاهدات منطقه‌ای و بین‌المللی

۲۰- توسعه همکاری‌های همه‌جانبه با کشورهای دوست، منطقه و اسلامی و مشارکت بین‌المللی برای حفظ صلح

۲۱- توسعه نظم و امنیت عمومی

۲۲- تعمیم عدالت از طریق توسعه قضایی، به منظور دستیابی آحاد جامعه به حقوق شهروندی

۲۳- توسعه قانونگرایی، تقویت انضباط اجتماعی و وجدان کار

۲۴- توجه به نیازها و ضرورت‌های جوانان، و فراهم کردن شرایط مناسب برای مشارکت آنها در فعالیتهای اجتماعی و حمایت از استعداد‌های درخشان

۲۵- تقویت مبانی جامعه مدنی، مشارکت همگانی، اخلاق و روحیه کار گروهی و سازگاری رقابت‌پذیری در کلیه روابط اجتماعی و سیاسی

ج: امور اقتصادی

۲۶- تحقق رشد اقتصادی سریع، پیوسته و با ثبات

۲۷- ایجاد اشتغال مولد و کاهش نرخ بیکاری

۲۸- تحقق رقابت‌پذیری اقتصاد کشور در سطح بازارهای داخلی و خارجی

۲۹- ایجاد سازوکارهای انگیزشی برای رشد بهره‌وری عوامل تولید (انرژی، سرمایه، نیروی کار، آب و

...

۳۰- تعامل فعال با جهان در تمام عرصه‌ها و هم‌پیوندی و اثربخشی در سطح اقتصاد جهانی

۳۱- پشتیبانی از کارآفرینی، فعالیتهای نوآورانه و ظرفیتهای فنی و پژوهشگری

۳۲- تأمین امنیت غذایی کشور با تأکید بر خودکفایی نسبی در تولید محصولات کشاورزی

۳۳- دستیابی به اقتصاد متنوع، متکی به دانایی، سرمایه انسانی و فناوری‌های نوین

۳۴- حضور مؤثر در بازارهای منطقه‌ای و جهانی، و مشارکت فعال در تقسیم کار بین‌المللی

۳۵- ایجاد سازوکارهای انگیزشی برای توسعه صادرات غیر نفتی و رفع موانع تولید قابل رقابت در عرصه بازارهای جهانی

۳۶- ایجاد فضای مناسب، امن و اطمینان‌بخش برای فعالان اقتصادی و سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی با تکیه بر احترام به حقوق مالکیت دارایی‌های مادی و غیر مادی

۳۷- اتکا به مزیت‌های نسبی و رقابتی، و خلق مزیت‌های جدید

۳۸- توانمندسازی بخش‌های خصوصی و تعاونی، به عنوان محرک اصلی رشد اقتصادی

۳۹- تلاش برای مهار تورم، و افزایش قدرت خرید گروه‌های متوسط و کم‌درآمد جامعه

۴۰- نظم و انضباط مالی و بودجه‌ای و تعادل بین منابع و مصارف دولت

۴۱- ارتقای ظرفیت و توانمندی‌های بخش تعاونی، تسهیل فرایند دستیابی آن به منابع، اطلاعات و فناوری، تسهیل ارتباطات و توسعه پیوندهای فنی، اقتصادی و مالی بین انواع تعاونیها

۴۲- توسعه حضور بخش‌های تعاونی و خصوصی در همه بخش‌های اقتصادی، و محدود کردن تصدی دولت در فعالیتهای اقتصادی در سقف عناوین مصرح در صدر اصل ۴۴ قانون اساسی و حداکثر حضور کارآمد در قلمروهای امور حاکمیتی

د: آمایش سرزمین، امور زیست‌محیطی و توسعه پایدار

۴۳- پایدارسازی فرایند توسعه با تکیه بر حفاظت از محیط زیست و بهره‌برداری بهینه از منابع

۴۴- تحقق توسعه پایدار، مبتنی بر دانایی در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و زیست‌محیطی کشور، به نحوی که ضمن ارتقای کیفیت زندگی، حقوق نسل‌های کنونی و آینده نیز محفوظ بماند.

۴۵- آمایش سرزمین بر مبنای مزیت‌های نسبی مناطق، به نحوی که هر ایرانی به منطقه‌ای که در آن با عزت و آرامش زندگی می‌کند، افتخار نماید.

۴۶- شناخت عناصر سازنده فرهنگ، هنر، دانش و تمدن اسلامی و ایرانی، به عنوان عناصر هویت ملی، و بهره‌گیری از مزیت‌های تاریخی و فرهنگی مناطق مختلف کشور، برای مشارکت فعال مناطق در توسعه پایدار

۴۷- سازماندهی فضای ملی، ایجاد تعادل منطقه‌ای و تقویت نقش منطقه‌ای کشور، با بهره‌گیری از قابلیت‌ها و مزیت‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و طبیعی سرزمین، با هدف ارتقای جایگاه بین‌المللی کشور

۳- آینده‌های ممکن در افق چشم‌انداز

اجرای سیاست‌های کلی مندرج در این سند، در قالب عملیات توأم با درایت و مدیریت خردمندانه، علمی و همه‌جانبه و توجه به دیپلماسی هدفمند کشور، همراه با حفظ منابع ملی، باعث تحولات چشمگیری در همه شئون اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کشور خواهد شد. رسیدن به هدف‌های یاد شده مستلزم برداشتن گام‌های بزرگ، توأم با نهادسازی پیشرفته، و استفاده از تجربیات کشورهای است که این مسیر را پیموده‌اند.

۳-۷- تبیین نقش و جایگاه کیفیت سطح زندگی در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور

مهم‌ترین اصلی که در سراسر قانون اساسی، می‌توان در این رابطه به آن استناد نمود، اصل ۴۳ می‌باشد. اصل مذکور اشاره به تأمین نیازهای اساسی برای همه از قبیل مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده دارد. تأمین شرایط و امکانات کار و آزادی انتخاب شغل، از جمله موارد دیگری است که در این اصل به آن توجه شده است.

سایر اصول قانون اساسی، که به نحوی می‌تواند با این موضوع ارتباط داشته باشند، عبارتند از:

- ایجاد رفاه، رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه، مسکن، کار، بهداشت و تعمیم بیمه (اصل ۱۳ بند ۱۲)

- آزادی انتخاب شغل (اصل ۲۸)

- برخورداری از تأمین اجتماعی (اصل ۲۹)

- داشتن مسکن متناسب با نیاز (اصل ۳۱)

با توجه به اصول قانون اساسی، موارد کلی بحث ارتقای کیفیت و سطح زندگی، در واقع همان موارد ۹ گانه‌ای است که در بخش قبلی به آن اشاره شده است.

۵-۷- کیفیت زندگی در بخش تأمین اجتماعی

الف: تعاریف و چارچوب مفهومی

مبنای تعریف تأمین اجتماعی، اصل ۲۹ قانون اساسی است. در اصل ۲۹ قانون اساسی، ابعاد مشخصی برای تأمین اجتماعی پیش‌بینی شده که عبارتند از: بهداشت و درمان، اشتغال و بیکاری، حوادث و سوانح و خدمات اجتماعی. همچنین خدمات اجتماعی به حوزه‌های بازنشستگی، از کار افتادگی، سالمندی، بی‌سرپرستی و در راه ماندگی محدود شده است. در استخراج و طبقه‌بندی شاخصهای تأمین اجتماعی، چارچوب فوق‌الذکر مورد نظر قرار گرفته است.

الف-۱: شاخص کیفیت مادی زندگی

شاخص کیفیت مادی زندگی، مقادیر سه شاخص، شامل: امید به زندگی در سال اول زندگی، نرخ مرگ و میر نوزادان و نرخ باسواد بودن است که با یک میانگین‌گیری ساده حسابی، به شکل یک کمیت ترکیب شده‌اند.

الف-۲: شاخص توسعه انسانی

شاخص توسعه انسانی شاخص ترکیبی و مرکب از سه نماگر، به شرح زیر است:

- طول عمر، که با امید به زندگی در بدو تولد اندازه‌گیری می‌شود.

- دسترسی به آموزش که مشتمل بر میزان باسوادی بزرگسالان (با ضریب وزنی دو سوم) و نرخ ترکیبی ثبت

نام خالص در کلیه مقاطع تحصیلی (با ضریب وزنی یک سوم) است.

- سطح زندگی قابل قبول و استاندارد، که با محصول ناخالص داخلی سرانه واقعی (بر حسب برابری قدرت و دلار) اندازه‌گیری می‌شود.

الف-۳: شاخصهای کیفیت زندگی

- شاخصهای خانواده و اوقات فراغت
- شاخصهای خدمات عمومی
- شاخصهای هزینه‌های عمومی
- شاخصهای ترکیبی توسعه انسانی و پیشرفت اجتماعی
- شاخصهای وفاق و یکپارچگی اجتماعی
- شاخصهای مسکن

الف-۴: شاخصهای خدمات اجتماعی

- شاخصهای رفاهی کودکان
- شاخصهای رفاهی سالمندان
- شاخصهای بیمه‌ای
- سایر شاخصهای حمایتی

الف-۵: شاخص عدالت اجتماعی

- شاخصهای درآمد عمومی
- شاخصهای توزیع و نابرابری درآمد
- شاخصهای فقر
- شاخصهای نابرابری جنسیتی

الف-۶: شاخصهای حوادث و سوانح

الف-۷: شاخصهای آموزش و کیفیت نیروی انسانی

- شاخصهای عمومی آموزش
- شاخصهای کیفیت آموزش

الف- ۸: شاخصهای اشتغال و بیکاری

- شاخص نیروی کار
- شاخصهای اشتغال و بیکاری
- شاخصهای کیفیت اشتغال
- شاخصهای سرباری و تکفل

ب: تبیین نقش و جایگاه تأمین اجتماعی در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور

توسعه، فرایندی است که طی آن باورهای فرهنگی، نهادهای اجتماعی، نهادهای اقتصادی و نهادهای سیاسی به صورت بنیادی متناسب با ظرفیتهای شناخته شده جدید متحول می‌شوند و طی این فرایند سطح رفاه جامعه ارتقا می‌یابد. ابعاد توسعه:



ب-۱: اهداف و اقدامهای دولت

ب-۱-۱: سه نیاز اصلی انسان

- معیشت
- امنیت
- هویت

ب-۱-۲: اهداف

- برقراری امنیت از لحاظ داخلی و خارجی در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی
- ایجاد آرامش خاطر در بین مردم و امید به آینده در آنها
- تأمین معاش مادی و کافی و پرورش و حفظ هویت فرهنگی مناسب کلیه احاد جامعه

ب-۱-۳: اقدامها

- کاهش احتمال وقوع صدمات عمده (از طریق مدیریت صحیح اقتصادی یا اقدامهای اساسی در پیش‌گیریهای بهداشتی از معلولیتها و آسیبهای اجتماعی)
- کاهش اثرات ناشی از صدمات احتمالی آینده (از طریق حمایتهای بیمه‌ای)